



فهرست‌نویسی پیش از انتشار: توسط انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)

علیان نژادی، ابوالقاسم، ۱۳۴۳-

همراه زائران قم و جمکران / تألیف ابوالقاسم علیان نژادی. - قم: انتشارات

امام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۳۹۰.

۱۵۷ ص.

ISBN: 978-964-533-142-7

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

۱. قم - تاریخ. ۲. قم - احادیث. ۳. حوزه علمیة قم. ۴. اربعینات - قرن ۱۴.

۵. زیارتنامه‌ها. ۶ احادیث شیعه - قرن ۱۴. الف. عنوان.

۹۵۵/۱۲۸۵

DSRT ۲۱۱۳/م ۷۷ع ۸

ناشر برتر

نوزدهمین نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران

همراه زائران قم و جمکران

تألیف: ابوالقاسم علیان نژادی

تیراژ: ۵/۰۰۰ نسخه

نوبت و تاریخ چاپ: اول / ۱۳۹۰

صفحه و قطع: ۱۵۷ صفحه / جیبی

چاپخانه: سلیمانزاده

ناشر: انتشارات امام علی بن ابی طالب (ع)

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۵۳۳-۱۴۲-۷



قم - ابتدای خیابان شهدا - کوی آمار (۲۲) - پلاک ۱۵

تلفن: ۷۷۲۲۴۷۸ دورنگار: ۷۸۴۰۰۹۹

به سفارش دفتر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

غیر قابل فروش

الحمد لله

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱۳

فصل اوّل / ۱۷

بخش اوّل: نگاهی به تاریخچه قم..... ۱۹

نفوذ اسلام و تشیع در قم..... ۲۰

مهاجرت شیعیان کوفه به قم..... ۲۱

قم در عصر خلفای عباسی..... ۲۳

قم؛ آماده پذیرش از آل علی علیه السلام..... ۲۴

ارتباط مردم قم با امامان معصوم علیهم السلام..... ۲۶

- ۲۷ قم و فراز و نشیب‌های تاریخی.....
- ۳۰ قم در عصر پهلوی.....
- ۳۲ قم پس از پیروزی انقلاب.....
- ۳۳ **بخش دوم: سیری در تاریخچه حوزه علمیه قم ...**
- ۳۴ ورود اشعریون و تولّد حوزه علمیه.....
- ۳۷ ورود امام رضا علیه السلام به قم و گسترش حوزه قم در قرن سوم.
- ۳۹ تأثیر ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم و استحکام حوزه ..
- ۴۰ چهره‌های برجسته حوزه قم در قرون اوّل تا چهارم.....
- ۴۳ رونق حوزه علمیه قم در قرن پنجم و ششم.....
- ۴۴ قرن هفتم.....
- ۴۵ قرن هشتم و نهم.....
- ۴۶ حوزه علمیه قم در قرون دهم تا دوازدهم.....
- ۴۸ حوزه علمیه قم در قرن سیزدهم و چهاردهم.....
- ۵۰ نقش آیت الله حائری در احیای مجدّد حوزه علمیه قم.....

- تحوّل عظیم حوزه در عصر زعامت آیت‌الله بروجردی رحمته الله .. ۵۱
- ضایعه ارتحال آیت الله بروجردی ۵۳
- حوزه علمیه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی ۵۴
- بخش سوم: چهل حدیث در مورد قم** ۵۷
۱. حرم اهل البیت علیهم السلام ۵۷
۲. مدفن شفیعه شیعیان ۵۸
۳. زیارتی پر ارزش! ۵۹
۴. زیارت حضرت معصومه علیها السلام همسنگ زیارت امام رضا علیه السلام ۵۹
۵. مقام والای علمی حضرت معصومه علیها السلام ۶۰
۶. زیارتی معادل بهشت ۶۱
۷. ثواب زیارت حضرت معصومه علیها السلام ۶۲
۸. شهرهای نمونه ۶۲
۹. آشیانه آل محمد صلی الله علیه و آله ۶۳

۱۰. حجت خدا بر همه دنیا ۶۴
۱۱. معدن علم و دانش ۶۶
۱۲. کانون شیعیان ۶۷
۱۳. به قم پناه ببرید! ۶۸
۱۴. سلام و برکات خدا بر قم ۶۸
۱۵. سالم‌ترین شهرها ۷۰
۱۶. خاک قم مقدس است ۷۲
۱۷. صورت قم ۷۳
۱۸. پناهگاه فاطمیون ۷۴
۱۹. پناهگاه شیعیان ۷۵
۲۰. قم و بهشت ۷۶
۲۱. مأمن شیعیان ۷۷
۲۲. هجرت به قم ۷۷
۲۳. مرکز شیعیان و موالیان ائمه اطهار علیهم‌السلام ۷۸

۲۴. چرا قم به این اسم نامیده شد؟ ۷۹
۲۵. فلسفه نامگذاری قم ۸۱
۲۶. وجه تسمیه قم ۸۱
۲۷. محلّ رحمت الهی ۸۲
۲۸. بهترین شیعیان ۸۳
۲۹. مشمولان غفران الهی ۸۳
۳۰. مرکز انقلاب ۸۴
۳۱. فضیلت دیگری برای اهل قم ۸۵
۳۲. حافظان دین ۸۶
۳۳. انصار امامان علیهم السلام ۸۶
۳۴. خوشا به حال قمی‌ها! ۸۷
۳۵. غفران الهی برای اهل قم ۸۷
۳۶. خاستگاه شیعیان حقیقی ۸۷
۳۷. مردم نجیب ۸۸

۳۸. عمران بن عبدالله قمی ۸۹
۳۹. مقام رفیع زکریا بن آدم علیه السلام ۹۰
۴۰. ثواب نماز در مسجد مقدس جمکران ۹۱

فصل دوم: چهل سؤال مورد ابتلای مسافران / ۹۳

- الف) نماز مسافر ۹۵
- ب) نماز جماعت ۱۰۰
- ج) امام زمان (عج) ۱۰۲
- د) جمکران ۱۰۳
- ه) مسائل دیگر ۱۱۱

فصل سوم: زیارات و ادعیه / ۱۱۷

۱. زیارت حضرت معصومه علیها السلام ۱۱۹
۲. زیارت آل یاسین ۱۲۴

۳. زیارت عاشورا ۱۳۳
- متن زیارت عاشورا ۱۳۴
۴. دعای توسل ۱۴۴
۵. زیارت امین الله ۱۵۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مقدمه

بسیاری از شما خوانندگان محترم، مخصوصاً ساحل‌نشینان از نزدیک، و دیگران از طریق فیلم‌ها و نشریات و کتاب‌ها، کشتی‌های بادبانی را دیده‌اید. ناخدای چنین کشتی‌هایی هر زمان که اراده کند نمی‌تواند سفر را آغاز نماید، و اگر شروع کرده آن را ادامه دهد، بلکه باید درانتظار وزش بادهای مناسبی در جهت موافق مسیر کشتی باشد. سفر با این نوع کشتی‌ها برای کسانی توأم با موفقیت و پیروزی است که:

اولاً: بتوانند لحظات حسّاس را خوب تشخیص دهند.
و ثانیاً: بهترین استفاده را از آن لحظات ارزشمند ببرند.

دربری از روایات، فرصت‌های طلایی که در طول عمر نصیب انسان می‌شود، به بادهای موافق برای کشتی‌های بادبانی تشبیه شده، که باید در کمین آن بود، و از آن استفاده کرد. از جمله در حدیث زیبایی از پیامبر گرامی اسلام صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ می‌خوانیم:

«إِنَّ لِرَبِّكُمْ فِي أَيَّامِ دَهْرِكُمْ نَفَحَاتٍ أَلَا فَتَعَرَّضُوا لَهَا؛ در دوران زندگی شما نسیم‌های موافقی می‌وزد، خود را در معرض آن قرار دهید».^۱

و در حدیث مشابهی به جای «فَتَعَرَّضُوا لَهَا»، «فَتَرَّصُّوا لَهَا»^۲ آمده است، یعنی در کمین آن لحظات باشید، و آن را از دست ندهید، و به بهترین صورت از آن استفاده کنید.

۱. بحارالانوار، ج ۷۱، ص ۲۲۱.

۲. بحارالانوار، ج ۷۷، ص ۱۶۶. ضمناً روایت دوم، حدیث قدسی است.

زائران گرامی شهر مقدّس قم، و حرم حضرت معصومه علیها السلام و مسجد مقدّس جمکران! شما عزیزان مشمول روایت فوق، و در مسیر ورزش نسیم رحمت الهی قرار گرفته‌اید، از این فرصت مناسب به بهترین وجه استفاده کنید، تا بعداً افسوس نخورید.

مجموعهٔ پیش روی، برای استفاده هرچه بهتر و بیشتر شما عزیزان از این فرصت استثنایی تهیّه شده، و در سه فصل خدمت شما تقدیم می‌گردد:

فصل اوّل: تاریخچهٔ قم و حوزهٔ علمیّه و چهل حدیث^۱

۱. امید است مشمول روایات اربعین، که یک نمونهٔ آن ذکر می‌شود، گردیم: پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند: «من حفظ من أمتی أربعين حديثاً، يطلب بذلك وجه الله عز وجل والدار الآخرة، حشره الله يوم القيامة مع النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن أولئك رفيقاً؛ هر کس چهل حدیث حفظ کند (و به دیگران انتقال دهد) و هدف او جلب رضای خدا، و ذخیره‌ای برای آخرت باشد، خداوند در روز

←

پیرامون فضیلت و جایگاه شهر مقدس قم و برخی از اماکن زیارتی آن.

فصل دوم: چهل مسأله از مسائل مورد ابتلای مسافران، مطابق فتاوی مرجع عالیقدر حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مدظله).

فصل سوم: ۱۵ زیارت‌نامه و دعای مناسب چنین سفرهای زیارتی.

امید است خداوند بزرگ این گام کوچک را به لطف و کرمش قبول فرماید، و زوّار محترم، نویسنده و تمام عزیزانی که در تهیته این اثر سهیم بوده‌اند را از دعای خیر فراموش نفرمایند.

حوزه علمیه قم - ابوالقاسم علیان نژادی

۱۳۸۶/۱۲/۲۲

→ قیامت او را با پیامبران، صدیقین، شهدا و صالحین محشور می‌کند و آنان همنشینان خوبی هستند». (بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۵۴، ح ۷).

فصل اوّل:

۱. نگاهی به تاریخچه قم
۲. سیری در تاریخچه حوزه علمیه قم
۳. چهل حدیث در مورد قم



نگاهی به تاریخچه قم

تاریخ، سیمای قم را قبل از ظهور اسلام به درستی نشان نمی‌دهد، ولی آنچه مسلم است این که قم قبل از اسلام وجود داشته^۱، و در تاریخ قبل از اسلام و اشعار شعرای آن زمان نام قم به چشم می‌خورد. از جمله در شاهنامه حکیم ابوالقاسم فردوسی چند بار نام قم ذکر شده است.^۲

۱. شرح این مطلب را در کتاب «کوثر کویر» مطالعه فرمایید.

۲. در مقدمه چاپ چهارم کتاب «تاریخ قم» نوشته محمدحسین ناصر

نفوذ اسلام و تشیع در قم

در سال ۲۳ هجری قمری، هنگامی که مسلمانان به قصد نجات مردم ایران از ظلم و ستم ساسانیان و هدایت آنها به دین مقدّس اسلام، به ایران لشکرکشی کردند، شهر قم توسط اشعری‌ها که اصالتاً از نژاد عرب یمنی و شیعه بودند فتح شد، و لذا آنها نزد اهل تاریخ، از مفاخر قم به شمار آمده، و مردم قم ملازم با تشیع و ولایت خاندان پیامبر ﷺ بوده‌اند. رفت‌وآمد و نفوذ اعراب، مخصوصاً اشعری‌ها، به قم راه را برای آنها باز کرد تا سرانجام در

→ الشریعة سه بیت شعر زیر از فردوسی در مورد قم نقل شده است:

دگر بهره از قم بدو اصفهان نهاد بزرگان و جای مهان
در جای دیگر می‌گوید:

بفرمود عهد قم و اصفهان نهاد بزرگان و جای مهان
در جای دیگر چنین گفته است:

نبشتند منشور بر پرنیان خراسان و ری هم قم و اصفهان

زمان خلافت عبدالملک مروان، گروهی از عرب‌های منسوب به «بنی‌الاشعر» به قم پناهنده شده و رفته‌رفته قم را تحت نفوذ خود قرار دادند.

هنگامی که آل اشعر در اواخر قرن اول وارد قم شدند، آتشکده قم تخریب شد و به جای آن مسجدی ساختند، و این نخستین مسجدی بود که در قم ساخته شد.^۱

مهاجرت شیعیان کوفه به قم

علیرغم فشارها و سختگیری‌های حکام و زمامداران جور نسبت به شیعیان، مردم روشن‌بین حقیقت را درک کرده و به دنبال آن رفته، و در زمان‌های مناسب از امامان معصوم علیهم‌السلام استفاده می‌کردند. در عصر امامت امام پنجم شیعیان، امام محمدباقر علیه‌السلام، یعنی اواخر قرن اول

۱. شرح این مطلب را در کتاب «کوثر کویر»، ص ۹۰ مطالعه فرمایید.

و سال‌های آغازین قرن دوم، مردم از اختلال و ضعفی که دام‌گیر حکومت امویان شد استفاده کرده، و شیعیان از اقصی نقاط کشورهای اسلامی پروانه‌وار بر گرد وجود پیشوای پنجم اجتماع کرده و به کسب معارف دینی پرداختند.^۱

هنوز قرن اول هجری قمری به پایان نرسیده بود که در پی هجرت چند نفر از شیعیان کوفه به قم، مردم قم به مذهب اهل بیت گرویدند، و این مذهب در سایر شهرهای ایران نیز گسترش یافت، و ایران به عنوان کشور شیعه معروف شد. در ضمن این مطلب پرده از حقیقت مهمی بر می‌دارد و آن این‌که: علیرغم اینکه ایران توسط طرفداران خلیفه دوم فتح شد، اما دیری نپایید که بر اثر آزادی و هوشیاری ایرانی‌ها، مردم با مذهب جعفری آشنا شدند و آمدن چند

۱. شیعه در اسلام، ص ۲۵.

نفر از کوفه کافی بود که مردم قم را به مذهب اصیل تشیع رهنمون سازد.

قم در عصر خلفای عباسی

در عصر خلافت خلفای عباسی، که از سال ۱۳۲ هـ.ق تا سال ۶۴۰ طول کشید، بیشتر اوقات آل علی را به تصوّر این که ممکن است مدّعی خلافت شوند، تعقیب و شکنجه می کردند، بسیاری از فرزندان آل علی (علیه السلام) به ایران و سپس قم پناه آوردند، و از این زمان عقاید شیعه در اذهان ساکنان قم تقویت و به تدریج قم به عنوان یک شهر شیعه نشین شناخته شد، و لذا خلفا نسبت به این شهر نه توجّهی داشتند، و نه کمک و مساعدتی می کردند. از این رو قم تا اواخر قرن دوم تابع اصفهان بود و حاکم و فرمانروای مستقلّی نداشت، تا اینکه در عصر هارون الرّشید، یکی از

مشاهیر قم به نام «حمزة بن یسع» به حضور خلیفه رسید، و از وی درخواست کرد که قم از اصفهان مستقل شود، و اجازه داده شود نماز جمعه و نماز عید فطر و قربان در آن اقامه گردد و خلیفه تقاضای او را پذیرفت.^۱

حمزة بن یسع پس از استقلال قم، مأمور وصول خراج کشاورزی و تجاری قم شد. او در این باره کوشش فراوانی نمود تا آنجا که حتی مساحت سرزمین قم را تعیین کرد و خراج‌ها را جمع نمود، و آنها را به ناچار به خلیفه می‌رساند.^۲

قم؛ آماده پذیرش از آل علی (علیه السلام)

همان‌گونه که گذشت بذر مذهب شیعه در اوایل قرن

۱. قم را بشناسید، ص ۳۸.

۲. تاریخ قدیم قم، ص ۲۸.

اول هجری در این سرزمین پاشیده شد و دیری نپایید که به صورت یک شهر به تمام معنا شیعه درآمد، و پناهگاه و مأمنی برای پیروان مکتب اهل بیت قرار گرفت.

قم در این مدت آماده استقبال و پذیرایی از فرزندان جسمانی و روحانی آل علی بود، کافی بود هر یک از دودمان پیامبر ﷺ و پیروان راستین آن حضرتش به این سرزمین آید تا مردم قم با آغوش باز از او استقبال کنند و با کمال عزت و احترام و خیالی آسوده از دشمنان زندگی کند. بر همین اساس، بسیاری از مردان نامی و سادات جلیل‌القدر و نواده‌های پیشوایان مذهب شیعه به این سرزمین آمدند، که در رأس آنها می‌توان به دختر بزرگ و با عظمت امام موسی بن جعفر علیهما السلام، حضرت فاطمه معصومه علیها السلام اشاره کرد، که با تشریف‌فرمایی آن بانوی کم‌نظیر، فصل نوینی در تاریخ قم آغاز شد، و جاذبه قوی

آن حضرت، علما و دانشمندان فراوانی را به سوی این شهر جذب و برکات فراوانی را نصیب قم کرد، که مهم‌ترین آنها گسترش مراکز علمی بود، که در فصل بعد به آن خواهیم پرداخت.

ارتباط مردم قم با امامان معصوم علیهم‌السلام

مردم قم از همان آغاز ورود اسلام به این شهر، از علاقه‌مندان ثابت قدم خاندان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله بوده، و در همان عصر به عنوان شیعیان خالص و استوار شهرت داشتند. آنها در زمان امامان علیهم‌السلام برخی از باغ‌ها و املاک و حتی خانه‌های خود را وقف امامان علیهم‌السلام کردند و هر سال خمس اموال خود را برای حضرات معصومین علیهم‌السلام می‌فرستادند و به آل علی بسیار احترام می‌کردند به طوری که قم پناهگاه آل علی بود، و تعداد زیاد امامزادگان موجود در قم شاهد این

مدّعاست. ارتباط اهل قم با امام صادق، امام کاظم، امام رضا، امام جواد، امام هادی و امام حسن عسکری علیهم السلام و در عصر غیبت با نایبان خاص و عام امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) در پیشانی تاریخ تشیع می‌درخشد، که در اینجا مجال شرح و تفسیر این مطلب و بیان نمونه‌های تاریخی آن، والطفای که حضرات معصومین علیهم السلام به قمی‌ها داشته‌اند نیست.^۱

قم و فراز و نشیب‌های تاریخی

از لابه‌لای تاریخ استفاده می‌شود که قم در حدود دو قرن، از نیمه قرن دوم تا نیمه قرن چهارم بسیار آباد و وسیع و پرجمعیت بود، ولی پس از آن، حوادث مختلف،

۱. شرح این مطلب را در کتاب حضرت معصومه فاطمه دوم نوشته مرحوم آقای محمدی اشتهاردی که بسیاری از مطالب این بخش، از آن کتاب نقل شده، مطالعه فرمایید.

دگرگونی‌هایی در این سرزمین ایجاد کرد و این آبادی‌ها را به ویرانه‌هایی تبدیل نمود، تا آنجا که قم بارها آباد و ویران شده است.

از جمله این حوادث تلخ می‌توان به دستبرد سپاهیان غارتگر مغول در قرن هفتم هجری قمری اشاره کرد که ویرانی‌های بسیاری به بار آورد.

در حدود کمتر از نیم‌قرن پس از آن، تیمورلنگ به قم حمله کرد، و پس از تلاش بسیار و مقاومت شدید و طولانی مردم، شهر را در تحت سلطه خود درآورد و بسیاری از مردم این شهر را به‌خاطر مقاومت شجاعانه‌ای که ابراز داشته بودند از دم تیغ گذراند و قسمت اعظم شهر را ویران نمود. به گونه‌ای که جان کارترایت، جهانگرد انگلیسی که در سال ۱۶۰۰ میلادی مطابق ۹۶۷ ه.ق از قم دیدن کرده بود در سفرنامه‌اش نوشت: «در اثر

ویرانی‌هایی که تیمورلنگ به جای گذاشته این شهر زیبا تا نصف مساحت واقعی خود تقلیل یافت!». ^۱

اما این کشت و کشتار به همین مقدار پایان نگرفت و دو قتل عام و کشتار دیگر نیز اتفاق افتاد: یکی قتل عام ابراهیم خان برادر نادرشاه و دیگری قتل عام اللهیار خان ازبک در حکومت نادرشاه افشار، که به علت داشتن اعتقادات شیعی، مردم قم را به خاک و خون کشیدند.

به هر حال قم به دلیل کشت و کشتارها و قتل و غارت‌ها از قرن هفتم تا قرن نهم که دوران حکومت صفویان بود نتوانست روند رو به رشد و رونق و آبادی خود را حفظ کند؛ ولی از زمان سلطه صفویان در سال ۹۰۷ که تا سال‌های ۱۱۴۸ ه.ق ادامه یافت، رشد و رونق قابل ملاحظه‌ای یافت و در زمان سلطه قاجار که از سال ۱۲۰۰

۱. کوثر کویر، ص ۶۵، به نقل از تاریخ مذهبی قم، ص ۲۸۳.

تا سال ۱۳۲۹ ه.ق به مدت ۱۳۹ سال ادامه داشت نیز روند رو به رشد این شهر مخصوصاً در قسمت مبانی علمی و دینی ادامه یافت.^۱

از جمله اموری که نشان می‌دهد قم در زمره شهرهای مورد توجه حکومت‌ها بوده این است که در آن ضرابخانه‌ای برای ضرب سکه در حکومت‌های مختلف وجود داشته و هم اکنون در موزه‌ها، نمونه‌هایی از آن سکه‌ها وجود دارد.^۲

قم در عصر پهلوی

رضاشاه در سال ۱۲۹۹ ه.ش (۱۳۳۹ ه.ق) سردار سپه شد و پنج سال بعد، در سال ۱۳۰۴ ه.ش، احمدشاه

۱. کوثر کویر، ص ۶۵-۶۷.

۲. کوثر کویر، ص ۹۰-۹۲.

قاجار را خلع کرد و خود بر تخت قدرت تکیه زد و بدینسان حکومت قاجار به تاریخ پیوست^۱ و حکومت خاندان پهلوی آغاز شد و پنجاه و سه سال ادامه داشت و با پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ ه.ش آن هم به تاریخ پیوست.

در سال ۱۳۱۶ ه.ش با تصویب تقسیمات جدید کشوری فرمانداری قم تأسیس شد و از آن پس، دیگر نام و نشانی از والی و حاکم و عامل نمی‌بینیم.^۲ قم همواره در زمان خاندان پهلوی عمده‌مورد بی‌توجهی قرار گرفت؛ زیرا خاندان پهلوی علاوه بر اینکه علاقه‌ای به اسلام نداشتند، از پیشرفت و نفوذ روحانیت می‌ترسیدند.

۱. حاکمان قم، ص ۱۵۸.

۲. حاکمان قم، ص ۱۵۹.

قم پس از پیروزی انقلاب

شهر مقدّس قم پس از پیروزی انقلاب مرکز توجّه مردم ایران، بلکه کل جهان قرار گرفت و به همین علّت رشد مناسب و خوبی از جهات مختلف داشت مخصوصاً حوزه علمیه قم حرکتی را که از زمان مرحوم آیت الله حائری (در عصر رضاخان) شروع شده بود و بعد به آیت الله بروجردی منتهی شد آهنگ پرشتاب‌تری یافت و در دوران حکومت اسلامی به اوج خود رسید که شرح آن بطور جداگانه خواهد آمد، ولی علیرغم توسعه در ابعاد مختلف، هنوز هم شهر کریمه اهل بیت نیازمند توجّه خاص است و از محرومیّت‌های مختلف رنج می‌برد. امید است مسئولین کشوری و محلی نگاه ویژه‌ای به قم به عنوان مرکز شیعیان جهان و وطن اصلی انقلاب اسلامی داشته باشند و به این شهر، آن‌گونه که شایسته آن است رسیدگی و توجّه نمایند.



سیری در تاریخچه حوزه علمی قم^۱

بدون تردید در جهان اسلام، به خصوص در تاریخ تشیع، یکی از پدیده‌های مهم و بزرگی که نمی‌توان برای آن نظیری یافت، پدیده «حوزه علمی قم» است که تاکنون منشأ آثار و برکات عظیم و بیشمار گشته، و موجب تحولات علمی، فرهنگی و سیاسی ریشه‌دار و فراگیری در سطح کشور و منطقه، بلکه تمام جهان شده است. لذا

۱. عمده مطالب این بخش، از کتاب حضرت معصومه فاطمه دوم نوشته مرحوم آقای محمدی اشتهاردی گرفته شده است.

آشنایی با حوزه علمیه قم امری لازم و ضروری است و ثمرات و برکات بسیاری خواهد داشت.

ورود اشعریون و تولّد حوزه علمیه

اشعری‌ها اصالتاً اهل یمن بودند، نخستین کسی از آنها که به مدینه آمد و مسلمان شد «مالک بن عامر اشعری» بود، که در اسلام دارای مقام ارجمندی گردید. یکی از فرزندان او به نام «سائب» از یاران خاص مختار بود و با او کشته شد.^۱

یکی دیگر از فرزندان او «عبدالله» نام داشت. عبدالله پسری به نام «سعد» داشت، و سعد دارای دوازده (یا پانزده) پسر بود، و آنها از شاگردان امام صادق علیه السلام در کوفه بودند، بیش از صد نفر از فرزندان و نوه‌های آنها جزء

۱. اخبار الطوال دینوری، ص ۳۰۷.

راویان حدیث از امامان بودند، و همه آنها از رجال شیعه محسوب شده و به امامت ائمه اهل البیت علیهم السلام اعتقاد داشتند.^۱

یاقوت حموی در کتاب معجم البلدان، واژه قم، پنج نفر از پسران سعد بن مالک بن عامر اشعری را نام می‌برد که در اواخر قرن اول جزء هفده تن از علما و راویان حدیث بودند که در ماجرای شکست سپاه عبدالرحمن بن محمد بن اشعث در برابر سپاه حجاج وارد قم شدند. پس از ورود آنها به قم، رفته‌رفته برادران و پسرعموها و سایر بستگانشان به آنها پیوستند.

نویسنده کتاب «گنجینه دانشمندان» می‌گوید: اغلب تاریخ‌نویسان قم نوشته‌اند که قم با ورود «اشعری‌ها» دگرگون شد و مرکز علما و محدثان و راویان و فقها گردید.

۱. تاریخ قدیم قم، ص ۳۷۸.

گروهی از اشعری‌ها که به قم آمدند از علمای تابعین بودند که در سپاه عبدالرحمان بن محمد بن اشعث با حجاج می‌جنگیدند.^۱

از مطالب فوق نتیجه می‌گیریم که در اواخر قرن اول و اوایل قرن دوم زمینه مساعد و خوبی برای پی‌ریزی مرکزی علمی البته به صورت ابتدایی در قم بوجود آمد. زمینه‌ای که در آینده نه چندان دور حوزه علمیه فراگیر و پرتلاشی را نوید می‌داد.

نویسنده کتاب گنجینه آثار قم معتقد است که «احوص بن سعد بن مالک اشعری» در اوایل قرن دوم در سرزمین قم بر ضد خلفای اموی شورید و آنجا را پایگاه شیعه امامیه کرد و برای نخستین بار مکتب امامیه توسط عرب اشعری در قم افتتاح شد به طوری که فقه شیعه به طور رسمی در

۱. گنجینه دانشمندان، ج ۱، ص ۳۶.

آن تدریس می‌شد و حتی تربیت‌یافتگان این حوزه به سایر بلاد اسلامی نورافشانی می‌کردند، که از جمله می‌توان به «ابوعصیده احمد بن عبید بن ناصح بن بلنجر دیلمی» اشاره کرد که از قم به بغداد رفت و معلم فرزندان متوکل (دهمین خلیفه عباسی) شد و به فتوای او متوکل، که به ساحت مقدس حضرت علی علیه السلام و زهرا علیها السلام اسائه ادب کرده بود، کشته شد.^۱

ورود امام رضا علیه السلام به قم و گسترش حوزه قم در قرن سوم

مأمون (هفتمین خلیفه عباسی) در خراسان می‌زیست. حضرت رضا علیه السلام را که در مدینه بود به خراسان طلبید و به حضرت نوشت که از راه کوفه و قم نیاید، بلکه از طریق

۱. گنجینه آثار قم، ص ۸۹-۹۱.

بصره و اهواز و فارس به سمت خراسان حرکت کند.^۱ ظاهراً هدف مأمون این بود که حضرت از کوفه و قم که مرکز عمده شیعیان آن روز بود عبور نکند تا مشکلی برای حکومت وقت حاصل نشود، ولی برخی شواهد تاریخی نشان می‌دهد که حضرت از مسیر قم به خراسان رفت و مدت کوتاهی در قم اقامت داشت.

ورود حضرت رضا علیه السلام در سال ۲۰۰ هجری به قم و استقبال گرم مردم از آن حضرت، بیانگر آن است که در اواخر قرن دوم و آغاز قرن سوم هجری در قم زمینه‌های عمیق و وسیعی برای بروز فرهنگ تشیع و فقه آل محمد صلی الله علیه و آله وجود داشته، و چهره‌های برجسته‌ای را تربیت کرده که به آنها اشاره خواهد شد.

۱. عیون اخبار الرضا، ج ۲، ص ۱۴۹.

تأثیر ورود حضرت معصومه علیها السلام به قم و استحکام حوزه علمیّه

چنانکه قبلاً اشاره شد در سال ۲۰۱ هجری قمری حضرت معصومه علیها السلام به قصد دیدار برادر از مدینه به سوی خراسان حرکت کرد. هنگامی که به ساوه رسید بیمار و بستری شد. آن حضرت که از وجود قم و سکونت شیعیان در آن اطلاع داشت به خادم مخصوصش فرمود: «مرا به قم ببرید» از سوی دیگر وقتی مردم قم خبر ورود آن حضرت به ساوه را شنیدند تصمیم گرفتند آن حضرت را به شهر خود دعوت کنند بدین جهت پسران و نوادگان سعد اشعری به محضر آن حضرت رسیده و ایشان را به قم آورده و در کمال احترام از وی پذیرایی نمودند. هر چند آن حضرت متأسفانه پس از مدّت کوتاهی بدرود حیات گفتند، ولی ورود ایشان به قم، و مرقد مطهر او، و سپس ورود

امامزادگان و راویان احادیث و دانشمندان کوفه و دیگر شهرها به قم، موجب تحولات تازه و مؤثری در استحکام و گسترش تشیع گردید.

علاوه بر این، نقش بسزایی در تحکیم و گسترش حوزه علمیّه و رفت‌وآمد و ارتباط علما و راویان و شاگردان برجسته امامان علیهم‌السلام داشت.

چهره‌های برجسته حوزه علمیّه قم در قرون اوّل تا چهارم هجری قمری

از متون تاریخی می‌توان استفاده کرد که بیش از صد نفر از علما و شاگردان امامان علیهم‌السلام که غالباً از آل اشعر بودند، حوزه علمیّه قم را در قرن‌های اوّل و دوم و سوم و چهارم تشکیل می‌دادند، که به نام تعدادی از آنها اشاره می‌کنیم.

از علما و راویان حدیث قرن اوّل که در قم می‌زیستند می‌توان به «عبدالله بن سعد اشعری»، «احوص بن سعد اشعری»، «عبدالرحمن بن سعد اشعری»، «اسحاق بن سعد اشعری» و «نعیم بن سعد اشعری» اشاره کرد.^۱

«عمران بن عبدالله بن سعد اشعری» و برادرش «عیسی» که از شاگردان برازنده امام صادق علیه السلام بودند و در تعلیم و تعلّم فرهنگ و فقه شیعی در قم تلاش مستمر و وسیعی داشتند و در بازسازی حوزه علمی قم نقش بسزایی ایفا کردند را می‌توان از علمای قرن دوم هجری به شمار آورد.

در مورد علمای قرن سوم هجری می‌توان به «زکریّا بن آدم بن عبدالله اشعری» که مرقد شریفش در قبرستان شیخان قم است و «احمد بن اسحاق بن عبدالله اشعری»

۱. معجم البلدان، واژه قم.

که وکیل امام حسن عسکری علیه السلام در قم بود و «ابراهیم بن هاشم» که از اصحاب نزدیک امام جواد علیه السلام محسوب می‌شد و بیش از شش هزار روایت از امامان معصوم علیهم السلام نقل کرده، و «سعد بن عبدالله اشعری قمی» اشاره داشت. علما و دانشمندان قمی در قرن چهارم فراوانند تا آنجا که نویسنده تاریخ قدیم قم که کتابش را در سال ۳۷۸ ه.ق نوشته می‌نویسد: «تعداد علمای شیعه در عصر ما به ۲۶۶ نفر رسیده، در حالی که عدد علمای اهل سنت از ۱۴ نفر تجاوز نمی‌کند».^۱

شخصیت‌های علمی بزرگی همچون «علی بن بابویه» پدر ارجمند شیخ صدوق که در رشته‌های مختلف مخصوصاً فقه صاحب تألیفاتی است و «علی بن ابراهیم» صاحب تفسیر مشهور و دیگر کتب ارزشمند و «ابن قولویه

۱. تاریخ قم، فهرست، باب ۱۶.

قمی» نویسنده کتاب کامل الزیارات و «شیخ صدوق» که
 قریب به سیصد کتاب نوشته و غالب احادیثی که به ما
 رسیده از برکت قلم اوست، از جمله علما و فقها و راویان
 حدیث حوزه قم در قرن چهارم بوده‌اند.

نتیجه اینکه، قم در قرون اول تا چهارم دارای حوزه
 علمی بوده، و این مرکز علمی در پرتو وجود علمای بزرگ
 و فقه‌های عالی‌مقام، جایگاه رفیعی داشته است.

رونق حوزه علمی قم در قرن پنجم و ششم

در قرن پنجم و ششم، که مقارن دوره سلجوقیان بود،
 نیز قم مرکزی بزرگ برای فقها و علمای شیعه بود
 و عده‌ای برای تحصیل به این شهر می‌آمدند. در کتاب
 جوابیه به نام «نقض الفضائح» وضع علمی قم در قرن
 ششم چنین تشریح شده است:

«مدارس دینی قم دارای وسایل کافی و علما و مدرسان و مفسران بزرگ می‌باشد و کتابخانه‌هایی مشحون (مملو) از کتب فرقه‌های مختلف در آن وجود دارد. سپس به نام ده مدرسه علمیّه که در آن زمان دایر بوده اشاره می‌کند».^۱

قرن هفتم

سید بن طاووس که از علمای قرن هفتم بوده، در مورد محلی که حضرت رضا علیه السلام در سفر به قم در آن توقّف کرده، می‌نویسد: «وَهُوَ الْيَوْمُ مَدْرَسَةُ مَطْرُوقَةٍ؛ خانه مذکور در زمان حاضر مدرسه‌ای است که محلّ رفت‌وآمد طلاب است».^۲

از این عبارت استفاده می‌شود که مدرسه فوق در قرن

۱. کتاب النقض، ص ۱۶۴.

۲. فرحة الغری، ص ۱۰۵.

هفتم یکی از مدارس حوزه علمیه قم بوده است، بنابراین حوزه علمیه قم در قرن هفتم رونقی داشته است. ضمناً این مدرسه هم اکنون به نام مدرسه رضویه در خیابان آذر قم دایر است.

قرن هشتم و نهم

نویسنده تاریخ مذهبی قم می‌گوید: در فاصله میان سلجوقیان تا آغاز حکومت صفویان (۹۰۷ قمری) وضع قم از لحاظ روحانیت برای نویسنده روشن نیست. در این فاصله در قم حوادث گوناگونی رخ داده و چند بار مردم آن قتل عام شدند و شهر ویران گردید.^۱

ولی بسیار بعید به نظر می‌رسد که حوزه‌های علمیه در چنین شهری متروک شده باشد.

۱. تاریخ مذهبی قم، ص ۱۶۷.

حوزه علمیه قم در قرون دهم تا دوازدهم

سلسله صفویه از سال ۹۰۷ تا سال ۱۱۴۸ ه.ق زمام حکومت ایران را به دست گرفت. و از آنجا که مروج مذهب تشیع بوده و امکانات فراوانی در اختیار علمای شیعه گذاشته بود، طبعاً حوزه‌های علمیه در همه جا مخصوصاً تبریز، شیراز، اصفهان و قم رونق فراوان یافت و شهر قم رسماً مورد توجه دولت و ملت ایران قرار گرفت و بار دیگر مدارس ویران شده آباد گردید و حتی مدارس از نو ساخته شد. از این رو علمای برجسته شیعه در این عصر در حوزه علمیه قم به درس و بحث اشتغال داشتند که به عنوان نمونه می‌توان به حکیم «ملاصدرای شیرازی» نویسنده کتاب اسفار و دامادهایش «ملا محسن فیض» فقیه وفیلسوف نامی آن عصر و «ملا عبدالرزاق فیاض لاهیجی» اشاره کرد، بلکه بعضی معتقدند دو عالم بزرگ

دوره صفویه یعنی «شیخ بهایی» و «میرفندرسکی» نیز مدّتی در حوزه علمیه قم بوده و در مدرسه فیضیه حجره داشتند.^۱

حضور این علمای برجسته در قم در عصر صفویه بیانگر آن است که قم در آن دوران، دارای حوزه علمیه‌ای فعال، و مدارس و طلاب بسیار بوده است.

مدرسه فیضیه که از قدیمی‌ترین مدارس علمی قم است در عصر صفویه تجدید بنا شد و علّت نامگذاری آن به فیضیه را، سکونت ملامحسن فیض (متوفی ۱۰۹۱ ه.ق) یا حکیم عبدالرزاق فیاض لاهیجی در این مدرسه دانسته‌اند.

«مدرسه مؤمنیه» در خیابان چهارمردان، و مدرسه «جهانگیرخان» در خیابان آذر مقابل مسجد جامع،

۱. تاریخ مذهبی قم، ص ۱۳۱.

و مدرسه «خان» روبه‌روی حرم حضرت معصومه علیها السلام در عصر صفویه ساخته شد.

این آثار نشان می‌دهد حوزه علمیه قم در قرون دهم و یازدهم و دوازدهم در عصر صفویه از رونق خاصی برخوردار بوده است.

حوزه علمیه قم در قرن سیزدهم و چهاردهم

شاهان قاجار از سال ۱۲۰۰ تا سال ۱۳۳۹ ه.ق در ایران حکومت کردند. در این عصر نیز علمای بزرگی در حوزه علمیه قم به تحصیل و تدریس اشتغال داشتند. از جمله، می‌توان به مجتهد عالیمقام حضرت آیت الله «میرزای قمی» نویسنده کتاب قوانین و جامع الشتات اشاره کرد، که در سال ۱۲۳۱ ه.ق در قم رحلت کرد و در قبرستان شیخان قم دفن شد.

با سکونت این مرجع بزرگ تقلید در قم در عصر فتحعلی شاه قاجار، حوزه علمی قم شهرت و اهمیت بیشتری پیدا کرد. یکی دیگر از علمای این عصر مرحوم آیت الله «میرزا محمد فیض» است که در سال ۱۳۷۰ (در قرن چهاردهم) در سن ۷۷ سالگی رحلت کرد و در صحن عتیق جلوی ایوان طلای بارگاه ملکوتی حضرت معصومه علیها السلام دفن شد.

احداث و بازسازی مدارس متعدد علمیّه در عصر قاجار، از جمله بازسازی و توسعه مدرسه فیضیه در سال ۱۲۱۳ و بنای اصلی مدرسه دارالشفاء به دستور فتحعلی شاه و ساخت مدرسه حاجی ملاصادق در گذر قاضی قم توسط میرزا آقاخان از رجال دولتی ناصرالدین شاه و مانند آن، نشان می‌دهد که حوزه علمیّه در این عصر وارد مرحله تازه‌ای شد و رونق و گسترش بیشتری یافت.

نقش آیت الله حائری در احیای مجدد حوزه علمیّه

قم

حوزه علمیّه قم در طول تاریخ دارای نوسانات مختلف بود و پس از رحلت میرزای قمی رحمته الله علیه در سال ۱۲۳۱ ه.ق سالها در فترت و رکود به سر می برد و نیاز به عالمی وارسته و مجتهدی مدیر و مدبّر داشت تا آن را احیا کند، که مرحوم آیت الله فیض رحمته الله علیه این کار را به دست توانای آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حایری دید و لذا به وی نامه نوشت و از او دعوت کرد که از اراک به قم هجرت کند که بر اثر اصرار ایشان و پی گیری دیگران، آیت الله حایری در سال ۱۳۴۰ ه.ق به قم آمد. با ورود این بزرگمرد علم و عمل حوزه علمیّه قم آن چنان متشکّل و منظم و باشکوه شد که او را مؤسس حوزه علمیّه قم خواندند، البتّه تعبیر صحیح آن است که وی را مجدد این حوزه بنامیم، زیرا

حوزه علمیه قم همانگونه که گذشت از عصر امام صادق علیه السلام و توسط بعضی از شاگردان آن حضرت پی‌ریزی شد.

آیت الله حائری برای طلاب علوم دینی امتحان و شهریه قرار داد، و با تدابیر و مدیریت ایشان مدارس قم مملو از طلاب و روحانیون شد و تحولی عظیم در حوزه علمیه به وجود آمد. آن مرحوم شاگردان بسیاری تربیت کرد که از جمله می‌توان به حضرات آیات عظام امام خمینی، گلپایگانی و اراکی رحمته الله اشاره کرد که هر یک از مراجع بزرگ تقلید زمان خود بودند.

تحول عظیم حوزه در عصر زعامت

آیت الله بروجردی رحمته الله

آیت الله حائری در سال ۱۳۵۵ ه.ق دارفانی را وداع

گفت و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه علیها السلام دفن شد. پس از ارتحال وی، سه تن از شاگردانش که از علما و مراجع بزرگ عصر خود بودند یعنی آیات عظام حجت، صدر و خوانساری سرپرستی حوزه را بر عهده گرفتند و تا حدود سال ۱۳۶۴ به تدریج بر عظمت حوزه از نظر کمیّت و کیفیت افزوده شد و مدرسه حجتیه در این عصر ساخته شد. تا اینکه در سال ۱۳۶۴ ه.ق از آیت الله بروجردی که از اکابر مراجع آن زمان بود و در بروجرد سکونت داشت برای هجرت به قم دعوت شد، و معظم له به قم آمد. در طول شانزده سال زعامت آیت الله بروجردی بر حوزه علمیه قم، مدارس، کتابخانه‌ها، مجالس درس، نشریات و مجلات عربی و فارسی و علوم مختلف اسلامی در سطح عمیق و گسترده‌ای فعال شد و تعداد طّالّاب ساکن در قم از هزار یا دو هزار نفر به شش هزار نفر رسید و حوزه علمیه به

صورت یک کانون عظیم علمی و فرهنگی و یک دانشگاه با عظمت فقهی شیعه در آمد.^۱

ضایعه ارتحال آیت الله بروجردی

حوزه علمی قم در سیزدهم شوال ۱۳۸۰ ه.ق با ضایعه اسفناک ارتحال آیت الله بروجردی رحمته الله روبه‌رو شد. پس از فقدان آن مرجع بزرگ، مراجع عظیم‌الشان وقت، همانند امام خمینی رحمته الله و آیت الله گلپایگانی رحمته الله و آیت الله نجفی مرعشی رحمته الله و... زمام حوزه را بر عهده گرفتند. حوزه در این عصر علاوه بر رسالت علمی و دینی خود، به صورت آشکارتر وارد مسایل سیاسی نیز شد و روحانیت شیعه در کنار مردم به رهبری امام خمینی رحمته الله با رژیم فاسد

۱. شرح پیشرفت‌های مختلف حوزه را در این عصر، در کتاب زندگانی آیت الله بروجردی نوشته استاد علی دوانی، مطالعه فرمایید.

پهلوی مبارزه را آغاز کرد، و سرانجام نور بر ظلمت چیره شد و انقلاب شکوهمند اسلامی ایران در ۲۲ بهمن سال ۱۳۵۷ ه.ش به پیروزی رسید.

حوزه علمیّه قم پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پس از پیروزی انقلاب، حوزه وارد مرحله تازه‌ای شد و در ابعاد مختلف مورد توجه قرار گرفت و کاملاً گسترش یافت. هم اکنون قریب به پنجاه هزار طلبه از شهرهای مختلف ایران و کشورهای مختلف جهان در این حوزهٔ پربرکت، که بزرگترین حوزهٔ علمیّه شیعه بلکه جهان اسلام محسوب می‌شود، مشغول تحصیل و تدریس و تحقیقند. حوزه پس از انقلاب علاوه بر رشد کمی، رشد کیفی نیز داشت. نظم و برنامه دقیق‌تر، امتحانات مستمر و وسیع‌تر، رشته‌های تخصصی، ایجاد کلاس‌های جدید و مانند آن

شاهد این مدعاست.

از جمله خدمات حوزه علمی قم پس از انقلاب شکوهمند اسلامی، ایجاد بیش از یکصد مرکز تحقیقاتی، انتشار هزاران عنوان کتاب و مجله، تربیت نویسندگان برجسته و محققین نامدار، پرورش طلاب و علمای مسئول و برجسته، و مبلغان و گویندگان دانشمند و محقق برای نیازهای داخل و خارج از کشور، و تعمیر و تجهیز مدارس قدیمی و احداث مدارس جدید و ساخت کتابخانه‌های متعدد است، که شرح آن در این مختصر نمی‌گنجد.

* * *

از آنچه درباره تاریخچه قم و تاریخچه حوزه‌های علمی این سرزمین مقدّس از زمان معصومین علیهم‌السلام تا به امروز به‌طور فشرده بیان شد، سرّ روایات آینده که درباره اهمیت این سرزمین مقدّس وارد شده، کاملاً روشن خواهد شد.

۳

چهل حدیث در مورد قم

۱. حرم اهل البيت علیهم السلام

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةَ، وَإِنَّ لِلرَّسُولِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ، وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ، وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلْدَةُ قُمْ، وَسَتُذْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تُسَمَّى فَاطِمَةً، فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ. قَالَ الرَّاوِي: وَكَانَ هَذَا الْكَلَامُ مِنْهُ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ الْكَاطِمُ عليه السلام؛ خداوند حرمی دارد که مکه است، و برای پیامبر صلی الله علیه و آله هم حرمی است و آن مدینه است. و حرم

امیرالمؤمنین علیه السلام کوفه است. و حرم ما اهل البیت شهر قم است. و بزودی در قم، زنی از فرزندان من به نام فاطمه دفن می شود که هر کس مرقد او را زیارت کند بهشت بر وی واجب می گردد. راوی گوید: امام صادق علیه السلام این سخن را قبل از تولد امام کاظم علیه السلام پدر بزرگوار حضرت فاطمه معصومه علیه السلام بیان کرد.^۱

۲. مدفن شفیعه شیعیان

امام صادق علیه السلام فرمود: «تَقْبَضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وَلَدِي اسْمُهَا فَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى، وَتَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ؛ در شهر قم زنی از فرزندان من رحلت می کند که نام او فاطمه دختر موسی بن جعفر علیه السلام است، و تمام شیعیان من (که شایسته شفاعت باشند) با شفاعت این

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۴۱؛ ج ۴۸، ص ۳۱۷.

خانم وارد بهشت می‌شوند».^۱

۳. زیارتی پر ارزش!

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ زِيَارَتَهَا تَعْدِلُ الْجَنَّةَ؛
بی‌شک (ثواب) زیارت مرقد حضرت معصومه علیه السلام برابر با
بهشت».^۲

۴. زیارت حضرت معصومه علیه السلام همسنگ زیارت

امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام فرمودند: «مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمٍ كَمَنْ
زَارَنِي؛ هرکس حضرت معصومه علیه السلام را در قم زیارت کند
گویا مرا زیارت کرده است».^۳

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، ح ۵۹.

۲. همان، ج ۴۸، ص ۳۱۷.

۳. ناسخ التواریخ، ج ۳، ص ۶۶؛ رباحین الشریعة، ج ۵، ص ۳۵.

در روایت دیگری از امام رضا علیه السلام می‌خوانیم: «أَلَا فَمَنْ زَارَنِي وَهُوَ عَلَى غُسْلٍ خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمٍ وَكَدَتْهُ أُمُّهُ؛ آگاه باشید کسی که با غسل زیارت، مرا زیارت کند از گناهانش پاک می‌شود، همانند روزی که از مادر متولد شده است».^۱

۵. مقام والای علمی حضرت معصومه علیه السلام

در عصر امام کاظم علیه السلام جمعی از شیعیان وارد مدینه شدند تا خدمت آن حضرت رسیده و سؤالاتشان را از او بپرسند، اما حضرت در سفر بود. به ناچار سؤالات را تحویل خانواده حضرت دادند تا در فرصتی دیگر پاسخ آن را بگیرند. به هنگام بازگشت به وطن برای خداحافظی به خانه حضرت رفتند. حضرت فاطمه معصومه علیه السلام سؤالات

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۳۱، ح ۶۲.

را به همراه جوابهایش به آنها داد. شادمان به سمت وطن حرکت کردند. اتفاقاً در مسیر بازگشت امام کاظم علیه السلام را ملاقات کرده، و داستان را برای آن حضرت بازگو نمودند. امام نوشته را گرفت و مطالعه کرد. پاسخ‌های حضرت معصومه علیه السلام همگی صحیح بود. امام سه بار فرمود: «فِذَاهَا أَبُوهَا؛ پدرش به فدایش باد» با توجه به این که حضرت معصومه علیه السلام در آن زمان سن و سال زیادی نداشت، این مطلب نشانگر عظمت او از نظر علم و معرفت بود.^۱

۶. زیارتی معادل بهشت

سعد بن سعد می‌گوید: در مورد زیارت حرم فاطمه دختر امام موسی کاظم علیه السلام از امام رضا علیه السلام سؤال کردم.

۱. حضرت معصومه فاطمه دوم، ص ۱۶۶.

حضرت فرمود: «مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ کسی که آن حضرت را زیارت کند پاداشش بهشت است».^۱

۷. ثواب زیارت حضرت معصومه (علیها السلام)

نویسنده کتاب کامل الزیارات به نقل از پدر و برادر بزرگوارش مطابق روایتی از امام جواد (علیه السلام) چنین نقل می‌کند: «مَنْ زَارَ عَمَّتِي بِقُمْ فَلَهُ الْجَنَّةُ؛ هر کس (مرقد) عمه‌ام (حضرت فاطمه معصومه (علیها السلام)) را در قم زیارت کند، بهشت از آن اوست».^۲

۸. شهرهای نمونه

امام صادق (علیه السلام) فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اخْتَارَ مِنْ جَمِيعِ الْبِلَادِ

۱. کامل الزیارات، ص ۳۳۸، باب السادس والمأة، ح ۱؛ بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۲۸، ح ۶۰.

۲. کامل الزیارات، ص ۳۳۸، باب السادس والمأة، ح ۲.

كُوفَةً وَقُمَّ وَتَقْلِيسَ؛ خداوند از میان تمام شهرها، کوفه و قم و تقلیس^۱ را برگزیده است.^۲

۹. آشیانه آل محمد ﷺ

امام کاظم علیه السلام فرمود: «قُمُّ عُنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَمَاوِیْ شِيعَتِهِمْ، وَلَكِنْ سَيُهْلَكَ جَنَاعَةٌ مِنْ شَبَابِهِمْ بِمَعْصِيَةِ آبَائِهِمْ وَالْإِسْتِخْفَافِ وَالسُّخْرِيَّةِ بِكِبَرَائِهِمْ وَمَشَايِخِهِمْ وَمَعَ ذَلِكَ يَدْفَعُ اللَّهُ عَنْهُمْ شَرَّ الْأَعَادِي وَكُلَّ سُوءٍ؛ قم آشیانه آل محمد و پناهگاه شیعیان آنان است، ولی بزودی عده‌ای از جوانان آنها به خاطر نافرمانی از پدران و استخفاف و تمسخر بزرگان و مشایخشان مجازات می‌شوند اما در

۱. تقلیس شهری است در قفقاز کنونی که سابقاً جزء آذربایجان بزرگ محسوب می‌شده است.

۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳، ح ۲۵.

عین حال خداوند شر دشمنان و هرگونه شر و بدی را از آن شهر دفع می‌کند»^۱.

۱۰. حجت خدا بر همه دنیا

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ إِحْتَجَّ بِالْكُوفَةِ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ، وَبِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَهْلِهَا عَلَى غَيْرِهِمْ مِنْ أَهْلِ الْبِلَادِ، وَاحْتَجَّ بِلَدَةِ قُمْ عَلَى سَائِرِ الْبِلَادِ وَبِأَهْلِهَا عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَلَمْ يَدْعِ اللَّهُ قُمْ وَأَهْلَهُ مُسْتَضْعَفًا بَلْ وَقَفَهُمْ وَأَيْدَهُمْ ... وَسَيَّأَتِي زَمَانٌ تَكُونُ بِلَدَةُ قُمْ وَأَهْلِهَا حُجَّةً عَلَى الْخَلَائِقِ وَذَلِكَ فِي زَمَانٍ غَيْبِيَّةٍ قَائِمِينَ عليه السلام إِلَى ظُهُورِهِ، وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتْ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا، وَإِنَّ الْمَلَائِكَةَ لَتَدْفَعُ الْبَلَايَا عَنْ قُمْ وَأَهْلِهَا، وَمَا قَصَدَهُ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا قَصَمَهُ قَاصِمُ الْجَبَّارِينَ؛ خدایند

کوفه را بر دیگر شهرها، و مؤمنین آن را بر مؤمنان سایر سرزمینها حجت قرار داد. و شهر قم را بر سایر شهرها و مردم آن را بر همه اهلای شرق و غرب عالم، از جن و انس، حجت قرار داد. خداوند شهر قم و مردم آن را مستضعف و ناتوان رها نکرده، بلکه به آنان توفیق داده و آنها را تأیید کرده است. روزگاری خواهد آمد که شهر قم و مردمان آن بر دیگر مردمان حجت باشند. آن روزگار در زمان غیبت قائم ماست تا زمان ظهورش. اگر چنین نبود زمین، اهل خود را در کامش فرو می برد. فرشتگان بلایا را از قم و مردم قم دور می کنند. هیچ ستمگری قصد بدی نسبت به آنان نکند، مگر آن که درهم شکننده ستمگران او را در هم شکند»^۱.

۱۱. معدن علم و دانش

امام صادق علیه السلام فرمود: «سَتَخْلُو كُوفَةً مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَيَأْزُرُ عَنْهَا الْعِلْمُ كَمَا تَأْزُرُ الْحَيَّةُ فِي جُحْرِهَا، ثُمَّ يَظْهَرُ الْعِلْمُ بِبِلْدَةٍ يُقَالُ لَهَا قُمْ، وَتَصِيرُ مَعْدِنًا لِلْعِلْمِ وَالْفَضْلِ، حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضْعَفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتِ فِي الْجِبَالِ، وَذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ ظُهُورِ قَائِمِنَا، فَيَجْعَلُ اللَّهُ قُمْ وَأَهْلَهُ قَائِمِينَ مَقَامَ الْحُجَّةِ، وَلَوْ لَا ذَلِكَ لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا، وَلَمْ يَبْقَ فِي الْأَرْضِ حُجَّةٌ، فَيَنْفِضُ الْعِلْمُ مِنْهُ إِلَى سَائِرِ الْبِلَادِ فِي الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ، فَيَتِمُّ حُجَّةُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ حَتَّى لَا يَبْقَى أَحَدٌ عَلَى الْأَرْضِ لَمْ يَبْلُغِ إِلَيْهِ الدِّينُ وَالْعِلْمُ، ثُمَّ يَظْهَرُ الْقَائِمُ علیه السلام؛ بزودی کوفه از مؤمنان تپه‌ای خواهد گشت و علم و دانش از آن رخت برخواهد بست، همانند ماری که در لانه‌اش پنهان شود. آن‌گاه علم و دانش در شهری به نام قم آشکار خواهد شد. این شهر معدن

دانش و فضیلت خواهد شد تا آنجا که بر روی کره زمین کسی نمی‌ماند که در دین ضعیف و ناتوان باشد، حتی زنان پرده‌نشین؛ و این امر نزدیک ظهور قائم ما رخ خواهد داد. خداوند قم و مردم آن را جانشینان حضرت حجت قرار می‌دهد. اگر چنین نبود بی شک زمین اهل خود را می‌بلعید و در روی زمین حجتی باقی نمی‌ماند. علم و دانش از این شهر به شهرهای دیگر در شرق و غرب عالم سرازیر می‌شود و بدین‌سان حجت خدا بر بندگان تمام می‌شود، تا آنجا که در کره خاکی کسی نمی‌ماند که دین و دانش به او نرسیده باشد؛ سپس حضرت مهدی علیه السلام ظهور می‌کند»^۱

۱۲. کانون شیعیان

عبدالله بن سنان روایت مفصّلی از امام صادق علیه السلام نقل

۱. بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳، ح ۲۳.

کرده، که در بخشی از آن آمده است: «وَهُوَ مَعْدِنُ شِيعَتِنَا؛
قم کانون شیعیان ماست».^۱

۱۳. به قم پناه ببرید!

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانُ الْفِتْنُ فَعَلَيْكُمْ
بِقُمْ وَحَوْلِهَا وَنَوَاحِيهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ مَدْفُوعٌ عَنْهَا؛ هنگامی
که فتنه‌ها همه شهرها را فرا بگیرد به قم و اطراف آن پناه
ببرید که بلا از قم دفع شده است».^۲

۱۴. سلام و برکات خدا بر قم

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ لَعَلَى قُمْ مَلِكاً رَفَرَفَ عَلَيْهَا
بِجَنَاحَيْهِ لَا يُرِيدُهَا جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا آذَابَهُ اللَّهُ كَذَوْبِ الْمِلْحِ

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۲، ح ۲۰.

۲. همان، ص ۲۱۴، ح ۲۶.

فِي الْمَاءِ، ثُمَّ أَشَارَ إِلَى عِيسَى بْنِ عَبْدِ اللَّهِ^۱ فَقَالَ: سَلَامُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ. يَسْقَى اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْغَيْثَ، وَيُنْزِلُ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْبَرَكَاتِ، وَيُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ، هُمْ أَهْلُ رُكُوعٍ وَسُجُودٍ وَقِيَامٍ وَقُعُودٍ، هُمْ الْفُقَهَاءُ الْعُلَمَاءُ الْفُهَمَاءُ، هُمْ أَهْلُ الدِّرَازِيَّةِ وَالرِّوَايَةِ وَحُسْنِ الْعِبَادَةِ؛ برفراز قم فرشته‌ای پیوسته بال و پر می‌زند. هیچ ستمگری تصمیم سویی در مورد قم نمی‌گیرد مگر این‌که خداوند او را (به‌وسیله آن فرشته) نابود می‌کند، همانگونه که نمک در آب حل می‌شود. حضرت سپس از عیسی بن عبدالله قمی یاد کرد و فرمود: سلام و درود خدا بر اهل قم. محلی که خداوند آن را با آب باران سیراب می‌کند، و برکاتش را بر اهل آن نازل

۱. عیسی بن عبدالله بن سعد بن مالک اشعری از دانشمندان قمی است که از امام صادق علیه السلام و امام کاظم علیه السلام و امام رضا علیه السلام روایت نقل کرده، و امام صادق علیه السلام در موردش فرمود: «او از ما اهل بیت است، هم در حال حیات و هم پس از مرگ». (جامع الرواة، ج ۱، ص ۶۵۲).

می‌نماید، و گناهان و خطاهای آنان را تبدیل به حسنه می‌کند. آنان اهل رکوع و سجود و قیام و قعودند. آنها هستند فقها و علما و خردمندان. آنان اهل روایت و درایت و عبادت نیکو هستند»^۱.

۱۵. سالم‌ترین شهرها

ابوموسی اشعری از حضرت علی علیه السلام پرسید: سالم‌ترین و بهترین شهرها به هنگام نزول فتنه‌ها و شعله‌ور شدن آتش جنگ‌ها چه شهری است؟ حضرت فرمود: «أَسْلَمُ الْمَوَاضِعَ يُؤَمِّدُ أَرْضَ الْجَبَلِ، فَإِذَا اضْطَرَبَتْ خُرَاسَانُ وَوَقَعَتِ الْحَرْبُ بَيْنَ أَهْلِ جُرْجَانَ وَطَبْرِشْتَانَ وَخَرِبَتْ سَجِسْتَانُ فَأَسْلَمَ الْمَوَاضِعَ يُؤَمِّدُ قَصَبَةَ قُمْ، تِلْكَ الْبَلَدَةُ الَّتِي يَخْرُجُ مِنْهَا أَنْصَارُ خَيْرِ النَّاسِ أَبَاً وَأُمًّا وَجَدًّا وَجَدَّةً

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷، ح ۴۶.

وَعَمَّا وَعَمَّةً، تِلْكَ الَّتِي تُسَمَّى الرَّهْرَاءُ، بِهَا مَوْضِعُ قَدَمِ
جِبْرِئِيلَ، وَهُوَ الْمَوْضِعُ الَّذِي نَبَعَ مِنْهُ الْمَاءُ الَّذِي مِنْ شَرِبِ
مِنْهُ أَمِنْ مِنَ الدَّاءِ؛ سالم‌ترین مکان‌ها در آن روز سرزمین
کوهستان (ایران) است. هنگامی که خراسان مضطرب
و ناامن شود و جنگی میان اهالی گرگان و مازندران رخ
دهد و سیستان خراب شود، سالم‌ترین شهرها در آن زمان
قم است. شهری که یاران بهترین انسان از نظر پدر
و مادر و جدّ و جده و عمو و عمه از آن خروج می‌کنند.
شهری که به نام زهرا نامیده می‌شود، شهری که در آن
محلّ قدم جبرئیل یافت می‌شود و از آن قدمگاه چشمه‌ای
جوشیده که هر کس از آن بنوشد از درد در امان خواهد
بود»^۱.

۱۶. خاک قم مقدّس است

امام صادق علیه السلام فرمودند: «تُرْبَةُ قَمٍّ مُقَدَّسَةٌ وَأَهْلُهَا مِنَّا وَنَحْنُ مِنْهُمْ، لَا يُرِيدُهُمْ جَبَّارٌ بِسُوءٍ إِلَّا عَجَلَتْ عُقُوبَتُهُ مَا لَمْ يَخُونُوا إِخْوَانَهُمْ فَإِذَا فَعَلُوا ذَلِكَ سَلَطَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ جَبَابِرَةً سُوءٍ! أَمَّا إِنَّهُمْ أَنْصَارُ قَائِمِنَا وَدُعَاةُ حَقِّنَا. ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ: اللَّهُمَّ اغْصِمْهُمْ مِنْ كُلِّ فِتْنَةٍ وَنَجِّهِمْ مِنْ كُلِّ هَلَكَةٍ؛ خاک قم مقدّس است، و مردم قم از ما، و ما از آنها هستیم. هر ظالم ستمگری نسبت به قم نظر سویی داشته باشد خداوند در مجازاتش تعجیل می‌کند. این ویژگی‌ها برای اهل قم تا زمانی است که نسبت به یکدیگر خیانت نکنند. اگر چنین کنند خداوند حاکمان ستمگری را بر آنها مسلط می‌کند. آگاه باشید که یاران حضرت مهدی علیه السلام و دعوت‌کنندگان به حقّ ما، قمی‌ها هستند. سپس حضرت سر به آسمان بلند کرد و این‌گونه در حق اهل قم دعا کرد:

خدایا! آنها را از هرفتنه‌ای حفظ کن و از هر هلاکت و نابودی مصون بدار».^۱

۱۷. صورت قم

حضرت رسول ﷺ فرمودند: «زمانی که به معراج رفتم در آسمان چهارم بنایی را مشاهده کردم که گنبد آن از لؤلؤ ساخته شده بود و دارای چهار ستون و چهار در بود، که گویا از استبرق سبز ساخته شده بود. به جبرئیل گفتم: این بنای با عظمت که همانند آن را در آسمان چهارم ندیدم چیست؟ گفت: حَبِیبِی مُحَمَّدُ، هَذِهِ صُورَةُ مَدِیْنَةِ یُقَالُ لَهَا قَمٌ یَجْتَمِعُ فِیْهَا عِبَادُ اللَّهِ الْمُؤْمِنُونَ یَنْتَظِرُونَ مُحَمَّدًا وَشَفَاعَتَهُ لِلْقِیَامَةِ وَالْحِسَابِ، یَجْرِیْ عَلَیْهِمُ الْعَمُّ وَالْهَمُّ وَالْأَحْزَانُ وَالْمَكَارِهُ؛ این صورت یکی از شهرهای روی زمین به نام قم است.

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۸، ح ۴۹.

مؤمنانی در این شهر جمع می‌شوند که در انتظار محمد، و شفاعت وی در روز قیامت و به هنگام حساب و کتاب هستند، در حالی که در راه اهداف فوق، هم و غم و حزن و اندوه بر آنان جاری می‌گردد».^۱

۱۸. پناهگاه فاطمیون

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا أَصَابَتْكُمْ بَلِيَّةٌ وَعَنَاءٌ فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ. فَإِنَّهُ مَأْوَى الْفَاطِمِيِّينَ، وَمُسْتَرَاخُ الْمُؤْمِنِينَ. وَسَيَأْتِي زَمَانٌ يَنْفَرُ أَوْلِيَانَا وَمُحِبُّونَا عَنَّا وَيَبْعُدُونَ مِنَّا، وَذَلِكَ مَصْلَحَةٌ لَهُمْ لِكَيْلَا يُعْرِفُوا بَوْلَانِيَّتَنَا، وَيَحْقِنُوا بِذَلِكَ دِمَائَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ. وَمَا أَرَادَ أَحَدٌ بِقُمْ وَأَهْلِيهِ سُوءًا إِلَّا أَذَلَّهُ اللَّهُ وَابْعَدَهُ مِنْ رَحْمَتِهِ؛ هر زمان بلاها و نگرانی‌های شما را فراگرفت به قم پناه ببرید. زیرا قم پناهگاه فاطمیین و محل

راحتی مؤمنان است. و زمانی خواهد آمد که اولیاء و دوستان ما از ما دور می‌شوند و از شهرهای ما کوچ می‌کنند، و این کار به مصلحت آنان است، برای این که به ولایت ما شناخته نشوند، و جان و مال خود را حفظ کنند و هر کس به قم و اهل قم نظر بدی کند خداوند او را ذلیل کرده و از رحمتش دور می‌سازد».^۱

۱۹. پناهگاه شیعیان

امام رضا علیه السلام فرمود: «إِذَا عَمَّتِ الْبُلْدَانُ الْفِتْنُ وَالْبَلَايَا فَعَلَيْكُمْ بِقُمْ وَحَوَالِهَا وَتَوَاحِیْهَا، فَإِنَّ الْبَلَايَا مَدْفُوعَةٌ عَنْهَا؛ هنگامی که فتنه‌ها و بلاها شهرهای مختلف را فراگرفت، به قم و اطراف آن پناه ببرید که بلاها از آن منطقه دفع شده است».^۲

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴، ح ۳۲.

۲. همان، ص ۲۲۸، ح ۶۱؛ ص ۲۱۷، ح ۴۴.

۲۰. قم و بهشت

انس بن مالک می‌گوید: روزی خدمت پیامبر اسلام ﷺ بودیم که علی بن ابی طالب علیه السلام وارد شد. حضرت رسول ﷺ خطاب به علی علیه السلام فرمود: به نزد من بیا، سپس با وی معانقه کرد و پیشانی‌اش را بوسید و در مورد عرضه ولایت آن حضرت به آسمان‌های هفتگانه و شهرهای مکه و مدینه و کوفه و پاداشی که در برابر پذیرش ولایت علی علیه السلام به آنها داده شده مطالبی بیان کرد و در پایان روایت فرمود: «ثُمَّ سَبَقَ إِلَيْهَا قُمْ فَزَيَّنَهَا بِالْعَرَبِ وَفَتَحَ إِلَيْهِ بَاباً مِنْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ؛ سپس قم ولایت آن حضرت را پذیرفت و خداوند آن را به گروهی از اعراب صالح و شیعیان خالص زینت بخشید، و دری از درهای بهشت را به سوی قم باز کرد».^۱

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۲، ح ۲۱.

۲۱. مأمَن شیعیان

جماعتی از امام صادق علیه السلام نقل کرده‌اند که: «إِذَا عَمَّتِ
الْبَلَايَا فَلَا أَمْنَ فِي كُوفَةٍ وَتَوَاحِيهَا مِنَ السَّوَادِ وَقُومٍ مِنَ
الْجَبَلِ وَنِعَمَ الْمَوْضِعُ قُومٌ لِلْخَائِفِ الطَّائِفِ؛ هنگامی که بلا
فراگیر شود امنیّت در کوفه و اطراف آن در عراق، و قم در
منطقهٔ جبل (ایران) خواهد بود و قم محل خوبی برای افراد
خائف و سرگردان است».^۱

۲۲. هجرت به قم

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا فَقَدَ الْأَمْنُ مِنَ الْعِبَادِ،
وَرَكِبَ النَّاسُ عَلَى الْخِيُولِ، وَاعْتَزَلُوا النِّسَاءَ وَالطَّبِيبَ،
فَالْهَرْبُ الْهَرْبُ عَنْ جَوَارِهِمْ، فَقُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاكَ: إِلَى أَيْنَ؟
قَالَ: إِلَى الْكُوفَةِ وَتَوَاحِيهَا، أَوْ إِلَى قُومٍ وَحَوْلِهَا فَإِنَّ الْبَلَاءَ

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴، ح ۲۸.

مَدْفُوعٌ عَنْهُمَا؛ هنگامی که امنیت از میان مردم رخت برپست، و مردم سوار بر مرکب‌های جنگی شده، و از همسران خویش و بوی خوش فاصله گرفتند، از آنها فرار کنید. راوی می‌گوید عرض کردم: فدایت گردم به کجا فرار کنیم؟ فرمود: به سمت کوفه و حوالی آن، یا قم و نواحی آن، زیرا بلا از این دو شهر دفع شده است.^۱

۲۳. مرکز شیعیان و موالیان ائمه اطهار علیهم‌السلام

سلیمان بن صالح می‌گوید: روزی خدمت امام صادق علیه‌السلام بودم، که از فتنه‌های بنی‌عبّاس و مشکلاتی که از سوی آنها دامگیر مردم شده بود سخن به میان آمد، عرض کردم: فدایت گردم، در چنین زمانی مردم به کجا پناه ببرند؟ فرمود: «إِلَى الْكُوفَةِ وَحَوْلِهَا وَإِلَى قُمْ وَنَوَاحِيهَا».

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۴، ح ۲۹.

ثُمَّ قَالَ: فِي قَوْمٍ شِيعَتُنَا وَمَوَالِينَا؛ بِهِ كُوفَهُ وَ حَوَالِيَّ أَنْ وَ قَمٍ
وَ اطْرَافِ أَنْ پناه ببرید. سپس فرمود: شیعیان و موالیان ما
در قم هستند»^۱ (گرچه این روایت مربوط به زمان
بنی عباس است، ولی اجمالاً دلالت دارد که قم جایگاه
امنی برای شیعیان خواهد بود).

۲۴. چرا قم به این اسم نامیده شد؟

پیامبر ﷺ فرمود: «هنگامی که به معراج رفتم جبرئیل
مرا بر شانه راستش حمل می کرد. نگاهم به سرزمینی افتاد
که کوههای آن به رنگ قرمز و از زعفران خوش رنگ تر و از
مشک خوشبو تر بود. پیرمردی را دیدم که با کلاه بزرگ
و بلندی که بر سر داشت در آنجا نشسته بود. پرسیدم: اینجا
کجاست؟ گفت: سرزمین شیعیان تو و شیعیان جانشین

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۵، ح ۳۵.

و وصیت علی بن ابی طالب علیه السلام است. گفتم: این پیرمرد کلاه به سرکیست؟ گفت: او ابلیس است. گفتم: اینجا چه می‌کند؟ گفت: می‌خواهد مردم این سرزمین را از ولایت امیرالمؤمنین علیه السلام منحرف و به سوی فسق و فجور دعوت کند. گفتم: در آن سرزمین فرود آئیم. جبرئیل مرا با سرعت فوق‌العاده زیاد در آنجا فرود آورد. خطاب به ابلیس گفتم: قُمْ يَا مَلْعُونُ! فَشَارِكْ أَغْدَاءَهُمْ فِي أَمْوَالِهِمْ وَأَوْلَادِهِمْ وَنِسَائِهِمْ، فَإِنَّ شِيعَتِي وَشِيعَةَ عَلِيٍّ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ، فَسُمِّيَتْ قُمْ؛ ای دورمانده از رحمت خدا برخیز (و از این سرزمین دور شو) و با دشمنان اهالی این سرزمین در اموال و اولاد و همسرانشان شریک شو؛ زیرا راه نفوذی برای تو بر شیعیان من و شیعیان علی بن ابی طالب وجود ندارد. به همین مناسبت آن سرزمین قم نامیده شد.^۱

۱. بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۰۷، ح ۶؛ این مطلب در همین کتاب، ص

۲۵. فلسفه نامگذاری قم

امام دهم حضرت هادی علیه السلام فرمود: «إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ بِه لِأَنَّهُ لَمَّا وَصَلَتِ السَّفِينَةُ إِلَيْهِ فِي طُوفَانِ نُوحٍ عليه السلام قَامَتْ وَهُوَ قِطْعَةٌ مِنْ بَيْتِ الْمُقَدَّسِ؛ عَلَتْ أَنْ كِه قُمْ رَا قُمْ نَامِيدَنْد این بود که در داستان طوفان نوح هنگامی که کشتی نوح به سرزمین قم رسید، در آنجا ایستاد (و توقفی کرد). و این سرزمین (در حکم) قطعه‌ای از بیت المقدس است».^۱

۲۶. وجه تسمیه قم

امام صادق علیه السلام خطاب به عفان بصری فرمود: «آیا می‌دانی چرا قم را قم نامیده‌اند؟ گفت: خدا و رسولش و شما بهتر می‌دانید. فرمود: إِنَّمَا سُمِّيَ قُمْ لِأَنَّ أَهْلَهُ

→ ۲۱۸، ح ۴۸ به‌طور مفصل و ص ۲۱۷، ح ۴۲ به‌طور مختصر نیز آمده است.

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۳، ح ۲۴.

يَجْتَمِعُونَ مَعَ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ، وَيَقُومُونَ
مَعَهُ وَيَسْتَقِيمُونَ عَلَيْهِ وَيُنْصُرُونَهُ؛ از آن جهت قم را قم
نامیده‌اند که مردم آن بر گرد قائم آل محمد صلوات الله
عليه اجتماع نموده، و همراه او قیام می‌کنند، و در راه او
پایداری می‌ورزند، و به یاریش بر می‌خیزند».^۱

۲۷. محل رحمت الهی

امام امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمودند: «صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَى
أَهْلِ قُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ قُمْ، سَقَى اللَّهُ بِلَادَهُمُ الْغَيْثَ؛
درو خدایند بر اهل قم، رحمت خداوند بر آنان، خداوند!!
شهرهای آنها را با آب باران سیراب گردان».^۲

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۳۸.

۲. همان، ص ۲۲۸، ح ۶۳.

۲۸. بهترین شیعیان

بیات سابری می‌گوید: روزی خدمت امام رضا علیه السلام نشسته بودم که سخن از قم و قمی‌ها و علاقه آنها به حضرت مهدی علیه السلام به میان آمد. حضرت از خداوند برای آنها طلب رحمت کرد و برایشان دعا نمود. سپس فرمود: «إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَوَاحِدٌ مِنْهَا لِأَهْلِ قُمْ، وَهُمْ خِيَارُ شِيعَتِنَا مِنْ بَيْنِ سَائِرِ الْبِلَادِ، حَمَّرَ اللَّهُ تَعَالَى وَلَايَتَنَا فِي طِينَتِهِمْ؛ يَكِي از درهای هشت‌گانه بهشت اختصاص به قمی‌ها دارد، آنها بهترین شیعیان ما از میان همه بلاد هستند. خداوند ولایت ما را با طینت آنها آمیخته است.»^۱

۲۹. مشمولان غفران الهی

عبدالعظیم حسنی می‌گوید: «از امام حسن

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۳۹.

عسکری علیه السلام شنیدم که فرمود: «أَهْلُ قُمْ وَأَهْلُ آبَةِ^۱ مَغْفُورٌ لَهُمْ لَزِيَارَتِهِمْ لِجَدِّ عَلِيِّ بْنِ مُوسَى الرِّضَا علیه السلام بِطُوسٍ؛ مردم قم و مردم آبه مورد غفران و بخشش الهی قرار گرفته‌اند؛ زیرا توفیق زیارت قبر جدّم علی بن موسی الرضا علیه السلام را در طوس یافته‌اند».^۲

۳۰. مرکز انقلاب

امام کاظم علیه السلام فرمود: «رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ قُمْ يَدْعُو النَّاسَ إِلَى الْحَقِّ، يَجْتَمِعُ مَعَهُ قَوْمٌ كَزُبْرِ الْحَدِيدِ، لَا تَزِلُّهُمْ الرِّيَاحُ الْعَوَاصِفُ، لَا يَمْلُونَ مِنَ الْحَرْبِ وَلَا يَجِبُونَ، وَعَلَى اللَّهِ يَتَوَكَّلُونَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ؛ مردی از قم مردم را به حق فرا می‌خواند، بر گرد او مردمانی جمع می‌شوند که همچون

۱. «آبه» یا «آوه» روستایی است در اطراف جعفرآباد که در میان قم و ساوه قرار دارد، و به نظر می‌رسد مردم صالح و شجاعی داشته است.
۲. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۳۱، ح ۶۳.

قطعات آهن استوارند، طوفانها آنها را به لرزه نمی اندازد و از جنگ خسته نمی شوند و ترسی از خود نشان نمی دهند، بر خدا توکل دارند و عاقبت از آن پرهیزکاران است».^۱

۳۱. فضیلت دیگری برای اهل قم

یکی از راویان حدیث می گوید: خدمت امام صادق علیه السلام نشسته بودم که این آیه شریفه قرائت شد: ﴿فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْهِمْ عَبْدًا لَّنَا أُولَىٰ بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا﴾^۲ سؤال کردم این افراد چه کسانی هستند؟ امام سه مرتبه فرمود: به خدا قسم آنها

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۳۷.

۲. سورة اسراء، آیه ۵. ترجمه: «هنگامی که نخستین وعده فرا می رسد، گروهی از بندگان پیکارجوی خود را بر ضد شما بر می انگیزم (تا شما را سخت درهم کوبند، حتی برای به دست آوردن مجرمان) خانه ها را جستجو می کنند، و این وعده ای است قطعی».

قمی‌ها هستند».^۱

۳۲. حافظان دین

از ائمه اهل بیت علیهم‌السلام روایت شده که: «لَوْلَا الْقُمِّيُّونَ لَضَاعَ الدِّينُ؛ اگر قمی‌ها نبودند دین ضایع می‌شد».^۲

۳۳. انصار امامان علیهم‌السلام

امام صادق علیه‌السلام فرمود: «أَهْلُ خُرَاسَانَ أَعْلَامُنَا، وَأَهْلُ قُمٍ أَنْصَارُنَا؛ مردم خراسان اعلام و نشانه‌های ما، و اهالی قم یاوران ما هستند».^۳

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶، ح ۴۰.

۲. همان، ص ۲۱۷، ح ۴۳.

۳. همان، ص ۲۱۴، ح ۳۰.

۳۴. خوشا به حال قمی‌ها!

امام هشتم علیه السلام فرمود: «إِنَّ لِلْجَنَّةِ ثَمَانِيَةَ أَبْوَابٍ وَلَا أَهْلَ قُمْ وَاحِدٌ مِنْهَا فَطُوبَى لَهُمْ، فَطُوبَى لَهُمْ، ثُمَّ طُوبَى لَهُمْ؛ بهشت هشت در دارد که یکی از آنها اختصاص به قمی‌ها دارد. خوشا به حال آنها، خوشا به حال آنها، خوشا به حال آنها».^۱

۳۵. غفران الهی برای اهل قم

امام صادق علیه السلام فرمود: «أَهْلُ قُمْ مَغْفُورٌ لَهُمْ؛ غفران الهی برای اهل قم است».^۲

۳۶. خاستگاه شیعیان حقیقی

اباصلت می‌گوید: «خدمت امام رضا علیه السلام بودم، عده‌ای

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۵، ح ۳۳.

۲. همان، ص ۲۱۸، ح ۴۸.

از مردم قم خدمت حضرت رسیده، و بر آن حضرت سلام کردند. حضرت جواب سلامشان را داد و آنها را گرامی داشت، سپس به آنها فرمود: مَرْحَباً بِكُمْ وَأَهْلًا! فَأَنْتُمْ شِيعَتُنَا حَقًّا؛ آفرین و درود بر شما! شما قمی‌ها شیعیان حقیقی ما هستید».^۱

۳۷. مردم نجیب

حماد الناب می‌گوید: من و گروهی دیگر خدمت امام صادق علیه السلام بودیم که عمران بن عبدالله قمی وارد شد. امام با رویی باز از وی استقبال نمود و از حال وی پرسید و به او نیکی کرد. هنگامی که رفت از حضرتش پرسیدم: این شخص، که اینگونه با او رفتار خوب داشتید و احترامش کردید، که بود؟ امام فرمود: «مِنْ أَهْلِ بَيْتِ النَّجَبَاءِ - یعنی

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۳۱، ح ۶۲.

اهل قم - مَا أَرَادَهُمْ جَبَّارٌ مِنَ الْجَبَابِرَةِ إِلَّا قَصَمَهُ اللَّهُ؛ وی از مردم نجیب قم بود. مردمی که هرگاه ظالمین قصد سویی نسبت به آنها داشته باشند خداوند آنها را در هم می شکند.^۱

۳۸. عمران بن عبدالله قمی

ابان بن عثمان می گوید: عمران بن عبدالله قمی وارد بر امام صادق علیه السلام شد. حضرت خطاب به او فرمود: «كَيْفَ أَنْتَ؟ وَكَيْفَ وُلْدُكَ؟ وَكَيْفَ أَهْلُكَ؟ وَكَيْفَ بَنُو عَمِّكَ؟ وَكَيْفَ أَهْلُ بَيْتِكَ؟ ثُمَّ حَدَّثَهُ مَلِيًّا. فَلَمَّا خَرَجَ قِيلَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: مَنْ هَذَا؟ قَالَ: نَجِيبٌ قَوْمِ التُّجَبَاءِ، مَا نَصَبَ لَهُمْ جَبَّارٌ إِلَّا قَصَمَهُ اللَّهُ؛ حالت چطور است؟ فرزندان چطورند؟ عموزادگان چطورند؟ اهل بیت تو چگونه اند؟ سپس برای مدتی طولانی با او سخن گفت. هنگامی که

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۱، ح ۱۸.

عمران از خدمت امام مرخص شد، کسی پرسید: این آقا (که اینقدر مورد احترام شما قرار گرفت) چه کسی بود؟ فرمود: فرد نجیبی از قوم نجباء (مردم قم) بود. مردمی که هرگاه ستمگری قصد بدی نسبت به آنها کند، خداوند او را درهم می شکند».^۱

۳۹. مقام رفیع زکریا بن آدم علیه السلام

زکریا بن آدم قمی به امام رضا علیه السلام عرض کرد: ای مولا و سرورم! می خواهم از قم هجرت کنم، زیرا آدمهای سفیه و نادان در آنجا زیاد شده اند! امام فرمود: «لَا تَفْعَلْ فَإِنَّ الْبَلَاءَ يُدْفَعُ بِكَ عَنْ قَوْمٍ كَمَا يُدْفَعُ الْبَلَاءُ عَنْ أَهْلِ بَغْدَادَ بِأَبِي الْحَسَنِ الْكَاظمِ؛ این کار را مکن؛ زیرا بلاها به خاطر

۱. بحار الانوار، ج ۶۰ ص ۲۱۱، ح ۱۹.

تو از قم دفع می‌شود، همانگونه که از اهل بغداد به خاطر وجود (یدرم) امام کاظم علیه السلام دفع می‌گردد».^۱

۴۰. ثواب نماز در مسجد مقدّس جمکران

مرحوم حاج میرزا حسین نوری در کتاب نجم الثاقب داستان بنای مسجد مقدّس جمکران را نقل کرده است. در همان حکایت که در بیداری واقع شده، نه در خواب، به نقل از امام زمان علیه السلام خطاب به حسن مثله جمکرانی آمده است: به مردم بگو به این مکان رغبت نشان دهند و آن را مغتنم بشمارند و در آنجا چهار رکعت نماز بگذارند. پس از بیان چگونگی چهار رکعت نماز فرمودند: «فَمَنْ صَلَّى فِيهَا فَكَانَ مَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ هر کس این دو نماز را انجام دهد، گویا در کعبه نماز خوانده است».^۲

۱. بحار الانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۷، ح ۴۵.

۲. مفاتیح نوین، ص ۱۰۶۲؛ النجم الثاقب، ص ۳۸۳-۳۸۸.

فصل دوم:

چهل سؤال مورد ابتلای مسافران

مطابق با فتاویٰ حضرت آیت الله العظمی

مکارم شیرازی (مدّ ظلّه)

الف) نماز مسافر

سؤال ۱. نیت نماز مسافر چگونه است؟

جواب: نیت خاصی ندارد؛ همین که نماز چهار رکعتی را دو رکعت بخواند؛ نماز مسافر محسوب می شود، حتی اگر نیت نماز تمام کند و قبل از پایان دو رکعت یادش بیاید و نیت را برگرداند کافی است.

سؤال ۲. اگر شخصی مثلاً ساعت هشت صبح به قم آید و قرار باشد ساعت سه بعد از ظهر به تهران باز گردد، نماز ظهر و عصر را در قم شکسته بجا آورد، یا صبر کند در تهران بطور کامل بخواند؟

جواب: اگر در سفر بخواند شکسته است و اگر در منزل بخواند تمام است، و نماز اول وقت مقدم است.

سؤال ۳. آیا در سفر می توان نماز استیجاری یا نماز

قضای پدر و مادر مرحوم یا دیگر در گذشتگان را بجا آورد؟
در صورت جواز، شکسته است یا کامل؟

جواب: اشکالی ندارد، و نماز را به همان صورتی که
قضا شده باید بجا آورد، یعنی اگر در وطن از آنها قضا
شده در سفر باید کامل بجا آورید.

سؤال ۴. پس از اذان ظهر از وطن حرکت کردم و با
این که می توانستم نماز ظهر و عصر را در وطن بخوانم آن
را به شهر مقصد موکول کردم و قبل از غروب آفتاب به
مقصد رسیدم ولی فراموش کردم نمازم را بخوانم، اکنون
قضای آن را شکسته بجا آورم یا تمام؟ در عکس فرض
مسأله حکم چیست؟

جواب: قضای آن در صورت اول شکسته و در
صورت دوم تمام است.

سؤال ۵. آیا مسافر می تواند نوافل نمازهای یومیّه را

بجا آورد؟

جواب: می تواند نوافل نمازهای صبح و مغرب و نافله شب را بجا آورد.

سؤال ۶. مسافری در سفر نمازهای چهار رکعتی را تمام و روزه گرفته است، بعد فهمیده که در سفر باید نمازها را شکسته و روزه را ترک کند. آیا قضای نمازها و روزه های مذکور لازم است؟

جواب: اگر حکم سفر را به هیچ وجه نشنیده است قضا ندارد، ولی اگر شنیده و فراموش کرده احتیاط آن است که قضا کند.

سؤال ۷. فلسفه شکسته شدن نماز مسافر چیست؟

جواب: علیرغم تسهیلات زیادی که در مسافرتها ایجاد شده، حتی در عصر و زمان ما سفر برای غالب مردم مشکلات روحی و جسمی مخصوص خود را

دارد، بدین جهت به ما دستور داده‌اند که نمازهای چهار رکعتی را در سفر (البته با شرایطی که در رساله‌ها آمده) شکسته بخوانیم و ما باید تابع دستورات دین باشیم و احکام ناظر بر مشکلات غالب مردم است.

سؤال ۸. علاقه زیادی جهت تشرّف به قم و زیارت مکان‌های مقدّس آن، و دیدار با علمای دین دارم؛ ولی پدر و مادرم اجازه نمی‌دهند که بدون آنها سفر کنم، آیا جلب رضایت آنها برای چنین سفرهایی لازم است؟ و در صورت لزوم و عدم جلب رضایتشان، نمازهایم شکسته است یا تمام؟

جواب: اگر آنها ناراحت می‌شوند سفر شما جایز نیست و نمازتان تمام است، و اگر فقط امر و نهی می‌کنند اما ناراحت نمی‌شوند اشکال ندارد.

سؤال ۹. اینجانب هفته‌ای دو روز به محلّ تحصیل، که بیش از مسافت شرعی است، رفت و آمد دارم که طبق فتوای شما نمازم شکسته است. اما اخیراً نذر کرده‌ام که چهل هفته شبهای چهارشنبه به مسجد جمکران مشرف شده، و اعمالش را بجا آورم. در طول این چهل هفته، که هفته‌ای سه روز در سفر خواهم بود، نماز و روزه‌ام را در سفر تحصیلی و زیارتی چگونه بجا آورم؟

جواب: در تمام این سفرها نماز و روزه شما تمام است.

سؤال ۱۰. با توجّه به این که جنابعالی کسی که هفته‌ای یک روز به مسافت شرعی سفر می‌کند را کثیرالسفر نمی‌دانید و من هر هفته به زیارت حضرت معصومه علیها السلام و مسجد مقدّس جمکران مشرف می‌شدم، آیا می‌توانم در این مسأله به فتوای مراجع بزرگواری که فتوی به کامل

بودن نماز می‌دهند رجوع کنیم؟

جواب: با توجه به این که ما در این مسأله فتوی داریم رجوع به غیر اشکال دارد.

ب) نماز جماعت

سؤال ۱۱. با توجه به این که یکی از شرایط امام جماعت عدالت است، و ما مسافران شناختی از امامان جماعت اماکن متبرکه نداریم، اقتدای به آنها چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که عده‌ای از مؤمنین ظاهرالصّلاح به وی اقتدا کرده باشند، یا در مساجد مهم شهر که بدون تحقیق با کسی نماز نمی‌خوانند - بوده باشد می‌توان به او اقتدا کرد و فضیلت نماز جماعت را درک نمود.

سؤال ۱۲. اقامه نماز فردی به هنگام نماز جماعت چه

حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که هتک نماز جماعت یا توهین به امام جماعت محسوب شود جایز نیست؛ در غیر این صورت اشکالی ندارد.

سؤال ۱۳. با توجّه به شکسته بودن نماز زائران مسافر، چنانچه چند صف نماز جماعت همه زائر باشند و در نماز ظهر و عصر و عشا در رکعت دوم سلام دهند سپس بلافاصله برخاسته و دو رکعت نماز قضای صبح نیت کنند، آیا اتصال صفهای بعدی برقرار می شود؟

جواب: اتصال برقرار نمی شود، ولی نمازهای آنها خودبه خود فرادی می شود و صحیح است.

سؤال ۱۴. با توجّه به این که شرکت در نماز جمعه بر مسافران لازم نیست، آیا می توانند در اوّل وقت، نماز هر را به جماعت یا فرادی بخوانند، تا فضیلت نماز جماعت و اوّل

وقت را درک کنند؟

جواب: اشکالی ندارد؛ ولی تظاهر به جماعت در حضور مردم نکنند.

(ج) امام زمان (عج)

سؤال ۱۵. آیا امام زمان علیه السلام همسر و فرزندی دارد؟

جواب: مطابق آنچه از بعضی روایات و زیارتنامه‌های مربوط به آن حضرت استفاده می‌شود، ایشان همسر و فرزندی دارند؛ اما جزئیات آن بر ما روشن نیست.

سؤال ۱۶. نظر شما در مورد جزیره خضرا چیست؟

جواب: داستان جزیره خضرا به طور دقیق بر هیچ کس روشن نیست؛ ولی امام عصر علیه السلام و یارانش حتماً در محلی سکونت دارند.

سؤال ۱۷. آیا دیدار با امام زمان علیه السلام ممکن است؟
 جواب: دیدار با آن حضرت امکان پذیر است، اما
 غالب کسانی که چنین توفیقی پیدا می کنند آن را
 برای دیگران نقل نمی کنند.

د) جمکران

مسجد مقدّس جمکران که در نزدیکی شهر مقدّس قم
 واقع شده، به امر امام زمان علیه السلام بنا گردیده و دارای آثار
 و برکات فراوانی است.

مرحوم حاج میرزا «حسین نوری» در کتاب «نجم
 الثاقب» داستان بنای آن را نقل کرده است و در همان
 حکایت که در بیداری واقع شده نه در خواب، به نقل از امام
 زمان علیه السلام خطاب به حسن مُثله جمکرانی آمده است: به
 مردم بگو به این مکان رغبت نشان دهند و آن را مغتنم

بشمارند و در آن جا چهار رکعت نماز بگذارند:

۱- دو رکعت نماز تحیت مسجد که در هر رکعتی یک مرتبه «حمد» و هفت مرتبه سوره «قل هو الله احد» بخوانند و هفت بار ذکر رکوع و در هر سجده هفت بار نیز ذکر سجود را بگویند (در رکوع هفت بار بگویند سبحان ربی العظیم و بحمد و در سجده هفت بار بگویند سبحان ربی الاعلی و بحمد).

۲- دو رکعت نماز امام زمان علیه السلام بخواند به این نحو که، در رکعت اول سوره «حمد» را آغاز کند و چون به جمله «ایاک نعبد و ایاک نستعین» رسید، صد مرتبه آن را تکرار نماید و سپس بقیه حمد را تا آخر بخواند (آنگاه یک مرتبه سوره «قل هو الله احد» را بخواند) و ذکر رکوع و سجود را هفت مرتبه بگوید و رکعت دوم را نیز به همین صورت انجام دهد. پس از نماز یک بار بگوید: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ

و سپس تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را بگوید؛ آنگاه سر به سجده بگذارد و صد بار صلوات بفرستد.

امام زمان علیه السلام فرمود: «فَمَنْ صَلَّى مَعَهُمَا فَكَأَنَّمَا صَلَّى فِي الْبَيْتِ الْعَتِيقِ؛ هر کس این دو نماز را (به این نحو) انجام دهد گویا در کعبه نماز خوانده است».^۱

سؤال ۱۸. اگر در تعداد ذکرهایی که در نماز تحیت و نماز آقا امام زمان علیه السلام باید به مقدار خاصی تکرار شود، شک کنیم، بنا را بر بیشتر بگذاریم یا کمتر؟

جواب: بنا را بر کمتر بگذارید.

سؤال ۱۹. آیا در نماز تحیت و نماز آقا امام زمان علیه السلام حتماً باید سوره توحید خوانده شود، یا از سوره‌های دیگر هم می‌توان استفاده کرد؟ در مورد ذکر رکوع و سجده نیز

۱. این داستان به طور مشروح در «نجم الثاقب» ص ۳۸۳ - ۳۸۸ آمده است.

«سبحان ربی العظیم وبحمده» و «سبحان ربی الاعلی و بحمده» خصوصیت دارد، یا می‌توان ۲۱ بار «سبحان الله» گفت؟

جواب: تغییر آن مانعی ندارد؛ ولی بهتر آن است که به همان صورت باشد.

سؤال ۲۰. اقامه نماز امام زمان علیه السلام به هنگام نماز جماعت چه حکمی دارد؟

جواب: اشکالی ندارد، ولی بهتر این است که آن را رها کند و به جماعت بپیوندد.

سؤال ۲۱. چنانچه به هنگام خواندن نماز تحیت یا نماز آقا امام زمان علیه السلام نماز جماعت برپا شود، آیا برای درک فضیلت نماز جماعت می‌توان این نمازهای مستحبی را رها کرد، یا از مستحبات آن صرف‌نظر نمود؟

جواب: مانعی ندارد.

سؤال ۲۲. زنانی که عذر شرعی دارند و برای زیارت به قم سفر کرده‌اند، آیا می‌توانند وارد حرم حضرت معصومه علیها السلام و حیاط مسجد مقدّس جمکران شوند؟

جواب: اشکالی ندارد، ولی در مسجد بالاسر حضرت معصومه علیها السلام نروند.

سؤال ۲۳. با توجّه به این که در فصل بهار و تابستان بسیاری از خانواده‌ها در حیاط مسجد مقدّس جمکران استراحت کرده و در همانجا نماز می‌خوانند و در بعضی مواقع خانم‌ها جلوتر از آقایان به نماز می‌ایستند، نمازشان چه حکمی دارد؟

جواب: در صورتی که حدود پنج متر از همدیگر فاصله داشته باشند اشکالی ندارد، در غیر این صورت نماز کسی که قبلاً وارد نماز شده صحیح و نماز دومی باطل است.

سؤال ۲۴. برخی از زائران مسجد مقدّس جمکران اصرار دارند که در محراب مسجد، نماز امام زمان علیه السلام را بخوانند، آیا آن مکان فضیلت خاصی برای این منظور دارد؟

جواب: تفاوتی با قسمت‌های دیگر مسجد ندارد.

سؤال ۲۵. بسیاری از زوّار مسجد مقدّس جمکران به هنگام ورود به حیاط مسجد، دست بر سینه گذاشته و به حضرت مهدی علیه السلام سلام می‌دهند، و برخی نیز به هنگام خروج به سمت مسجد برگشته و این کار را تکرار می‌کنند، چه حکمی دارد؟

جواب: این کارها در احادیث و روایات وارد نشده است.

سؤال ۲۶. کارهای زیر، که باعث از بین رفتن حضور قلب نمازگزاران می‌شود، چه حکمی دارد؟

۱. روشن بودن موبایل، ۲. خواندن دعا‌های دسته‌جمعی، ۳. صدا کردن افرادی که خانواده آنها منتظرشان هستند، ۴. تقاضای صلوات از دیگران.

جواب: هر کاری که به حضور قلب نمازگزاران لطمه بزند باید ترک شود.

سؤال ۲۷. عریضه‌نویسی و انداختن آن در چاه مسجد مقدّس جمکران چه حکمی دارد؟

جواب: بهتر آن است که در شرایط فعلی به جای نوشتن عریضه سحرگاهان بیدار شوید و نماز شب بخوانید، سپس به ساحت قدس آن حضرت متوسّل شوید.

سؤال ۲۸. اگر هنگام تشرّف به مسجد مقدّس جمکران نماز واجب خود را نخوانده باشیم، و در آنجا به جماعت یا به صورت فردی بخوانیم، سپس قصد خواندن نماز امام زمان (علیه السلام) را داشته باشیم، آیا خواندن نماز تحیت هم لازم

است، یا فقط نماز امام زمان علیه السلام را بخوانیم؟

جواب: نماز تحیت لازم نیست، ولی به نیت رجاء می توانید بخوانید.

سؤال ۲۹. چنانچه به هنگام خواندن نماز تحیت مسجد مقدس جمکران، یا نماز امام زمان علیه السلام فراموش کنیم ذکر رکوع یا سجده یا سورۀ توحید و مانند آن - که باید به مقدار معینی تکرار شود - را تکرار کنیم نماز چه حکمی دارد؟

جواب: اگر از محل آن گذشته اید وظیفه ای ندارید و نمازتان صحیح است.

سؤال ۳۰. با خانواده وعده گذاشته ایم که در ساعت معین حرکت کنیم. هنگام وعده فرا رسیده و من هنوز صد صلوات آخر نماز امام زمان علیه السلام را نخوانده ام. برای این که خلف وعده نکنم آیا می توانم صلواتها را در بین راه بگویم؟

جواب: اشکالی ندارد.

ه) مسائل دیگر

سؤال ۳۱. با توجه به این که در سفرهای زیارتی گاه فرصتی برای انجام نمازهای قضا به دست می‌آید، نمازهای قضا را چگونه باید بجا آورد؟

جواب: نماز قضا را باید به همان شکلی که قضا شده بجا آورد. اگر شکسته قضا شده، شکسته و اگر به صورت تمام قضا شده، تمام بجا آورد. اگر نماز ظهر و عصر بوده آهسته، و اگر صبح و مغرب و عشا بوده مردان بلند بخوانند.

سؤال ۳۲. نوشتن خواب یا هر مطلب دیگری بر روی کتابهای موجود در اماکن مقدسه چه حکمی دارد؟

جواب: جایز نیست.

سؤال ۳۳. گاه دیده می‌شود که مدّاحان محترم در مکان‌های زیارتی برخی از فقرات دعاها یا زیارتها را تکرار

می‌کنند، این کار چه حکمی دارد؟

جواب: لازم است دعا و زیارات به همان شکلی که از حضرات معصومین علیهم‌السلام برای ما نقل شده خوانده شود و چیزی از خودمان بر آن نیفزائیم.

سؤال ۳۴. گاه برخی از مسافران اشیای قیمتی پیدا می‌کنند، که برای آنها امکان اعلان آن به گونه‌ای که در رساله‌های توضیح‌المسائل آمده نمی‌باشد، آیا همین که آن را به محلّ اشیای گمشده تحویل دهند کفایت می‌کند، یا وظیفه دیگری دارند؟

جواب: در صورتی که راهی جز این نداشته باشند همین کار کافی است.

سؤال ۳۵. دوست دارم سیزده و چهارده و پانزده ماه رجب را به قم سفر کرده و در مسجد مقدّس جمکران معتکف شوم، ولی اقامت ده روز در قم برایم ممکن نیست.

آیا می‌توانم با نذر معتکف شوم؟

جواب: اعتکاف در سفر با نذر اشکال دارد.

سؤال ۳۶. چنانچه یقین داشته باشیم در طول سفر زیارتی به قم و جمکران مرتکب گناه یا گناهی می‌شوم و اگر در شهر خودم بمانم مرتکب آن گناهان نخواهم شد، چنین سفری چه حکمی دارد؟

جواب: چنین سفری را ترک کنید، ولی توجّه داشته باشید که در این مسایل گرفتار وسواس نشوید.

سؤال ۳۷. تهیّه سوغاتی در سفرهای زیارتی چه حکمی دارد؟

جواب: در حدّ معقول و متعارف و به دور از اسراف مستحب است.

سؤال ۳۸. شخصی نذر کرده به مدّت یک ماه روزهای

چهارشنبه را روزه بگیرد، در یکی از شب‌های چهارشنبه به قم مسافرت کرده و روز چهارشنبه قبل از ظهر نمی‌تواند به وطن بازگردد، آیا می‌تواند در سفر به نذرش عمل کند؟ اگر جواب منفی است چه وظیفه‌ای دارد؟

جواب: در صورتی که واقعاً توانایی ندارد، آن روز را احتیاطاً روزه می‌گیرد و بعداً قضا می‌کند.

سؤال ۳۹. با توجه به این که برخی از مسافرانی که به هتل‌ها و مسافرخانه‌ها می‌روند احکام شرعی را رعایت نمی‌کنند، آیا لازم است از تماس دست و بدن مرطوب با اسباب و لوازم موجود در این مکان‌ها اجتناب شود؟

جواب: تا یقین به نجاست نداشته باشید اجتناب لازم نیست.

سؤال ۴۰. در صورتی که قسمتی از امکنه مقدسه که مسجد نیست نجس شود، و خود قادر بر تطهیر آن نباشیم،

آيا لازم است به بقيه زوار و مسافران اطلاع داده شود، يا بايد به مسؤولين آن مكان گفته شود تا آنجا را تطهير كنند؟
جواب: احتياط آن است كه به مسؤولين آنجا اطلاع داده شود.

فصل سوم:^۱

زیارات و ادعیّه

۱ . مطالب این فصل از کتاب «مفاتیح نوین» گرفته شده است.

۱. زیارت حضرت معصومه علیها السلام

«عَآلَمُهُ مَجْلَسِي» اللَّهُ می‌گوید: در بعضی از کتب زیارات آمده است: حضرت رضا علیه السلام به یکی از یارانش به نام «سعد اشعری» فرمود: نزد شما (اهل قم) قبری از ما هست، سعد می‌گوید: عرض کردم: فدایت شوم قبر فاطمه دختر امام موسی علیه السلام را می‌فرمایید؟ فرمود: آری! «مَنْ زَارَهَا غَارِفًا يَحَقِّقُهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ» هر کس با معرفت او را زیارت کند بهشت برای اوست» هنگامی که نزد قبر آن بانو رسیدی بالای سر، رو به قبله بایست و ۳۴ مرتبه الله اکبر و ۳۳ مرتبه سبحان الله و ۳۳ مرتبه الحمد لله بگو سپس این زیارت را بخوان:

«الْسَّلَامُ عَلَى آدَمَ صَفْوَةِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَى
نُوحٍ نَبِيِّ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَى إِبْرَاهِيمَ خَلِيلِ اللَّهِ،
الْسَّلَامُ عَلَى مُوسَى كَلِيمِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَى
عِيسَى رُوحِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا رَسُولَ
اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَيْرَ خَلْقِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا صَفِيَّ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ
بْنِ عَبْدِ اللَّهِ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ، وَصِيَّ
رَسُولِ اللَّهِ، الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا فَاطِمَةَ سَيِّدَةَ
نِسَاءِ الْعَالَمِينَ، الْسَّلَامُ عَلَيْكُمَا يَا سِبْطَيْنِ
نَبِيِّ الرَّحْمَةِ، وَسَيِّدَي شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ،
الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ سَيِّدَ

الْعَابِدِينَ، وَقُرَّةَ عَيْنِ النَّاطِرِينَ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ بَاقِرِ الْعِلْمِ بَعْدَ
 النَّبِيِّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ
 الصَّادِقَ الْبَارَّ الْأَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 مُوسَى بْنَ جَعْفَرَ الطَّاهِرَ الطُّهْرَ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُوسَى الرِّضَا الْمُرْتَضَى،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ التَّقِيَّ،
 السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ النَّقِيِّ
 النَّاصِحَ الْأَمِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَسَنَ بْنَ
 عَلِيٍّ، السَّلَامُ عَلَى الْوَصِيِّ مِنْ بَعْدِهِ، اَللّٰهُمَّ
 صَلِّ عَلَى نُورِكَ وَسِرَاجِكَ، وَوَلِيِّ وَلِيِّكَ،
 وَوَصِيِّ وَصِيِّكَ، وَحُجَّتِكَ عَلَى خَلْقِكَ،

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَخَدِيجَةَ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا
 بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتَ وَلِيِّ
 اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ، السَّلَامُ
 عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَرَحْمَةُ اللَّهِ
 وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَنَا
 وَبَيْنَكُمْ فِي الْجَنَّةِ، وَحَشَرْنَا فِي زُمْرَتِكُمْ،
 وَأَوْرَدْنَا حَوْضَ نَبِيِّكُمْ، وَسَقَانَا بِكَاسِ
 جَدِّكُمْ مِنْ يَدِ عَلِيِّ بْنِ أَبِيطَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ
 عَلَيْكُمْ، أَسْأَلُ اللَّهَ أَنْ يُرِينَا فِيكُمْ السُّرُورَ

وَالْفَرَجَ، وَأَنْ يَجْمَعَنَا وَإِيَّاكُمْ فِي زُمْرَةِ
 جَدِّكُمْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَأَنْ
 لَا يَسْلُبَنَا مَعْرِفَتَكُمْ، إِنَّهُ وَلِيُّ قَدِيرٌ، أَتَقَرَّبُ
 إِلَى اللَّهِ بِحُبِّكُمْ، وَالْبَرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ،
 وَالتَّسْلِيمِ إِلَى اللَّهِ رَاضِيًا بِهِ غَيْرَ مُنْكَرٍ وَلَا
 مُسْتَكْبِرٍ، وَ عَلَى يَقِينٍ مَا أَتَى بِهِ مُحَمَّدٌ وَبِهِ
 رَاضٍ، نَطْلُبُ بِذَلِكَ وَجْهَكَ يَا سَيِّدِي،
 اَللّهُمَّ وَرِضَاكَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ، يَا فَاطِمَةُ
 اشفعي لي في الْجَنَّةِ، فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ شَأْنًا
 مِنَ الشَّأْنِ، اَللّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ أَنْ تَخْتِمَ لِي
 بِالسَّعَادَةِ، فَلَا تَسْلُبْ مِنِّي مَا أَنَا فِيهِ، وَلَا
 حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ، اَللّهُمَّ

اَسْتَجِبْ لَنَا، وَتَقَبَّلْهُ بِكَرَمِكَ وَعِزَّتِكَ،
وَبِرَحْمَتِكَ وَعَافِيَّتِكَ، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى
مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ، وَسَلَّم تَسْلِيمًا يَا
أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱.

۲. زیارت آل یاسین

«شیخ جلیل، احمد بن علی بن ابی طالب طبرسی» در
کتاب شریف «احتجاج» روایت کرده که از ناحیه مقدس
حضرت مهدی علیه السلام زیارت زیر در پاسخ نامه «محمد
حمیری» آمده است که زیارتی است بسیار عالی و پرمحتوا
(و در سرداب مقدس و غیر آن می توان از آن استفاده کرد)،
آن حضرت فرمود: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، لَا لِأَمْرِهِ

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۲۶۶، ح ۴.

تَغْفُلُونَ، وَ لَا مِنْ أَوْلِيَائِهِ تَقْبَلُونَ، حِكْمَةً بِالْغَةِ فَمَا تُغْنِي
 النُّذُرُ عَنْ قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ
 الصَّالِحِينَ. هر گاه خواستید بوسیله ما به خدا، و به سوی ما
 توجه کنید، این زیارت را بخوانید.

این زیارت مطابق نقل «بحارالانوار» چنین است:

«سَلَامٌ عَلَى آلِ يَسَّ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا دَاعِيَ
 اللَّهِ وَ رَبَّنَايَ آيَاتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَابَ اللَّهِ
 وَ دِيَانَ دِينِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا خَلِيفَةَ اللَّهِ
 وَ نَاصِرَ حَقِّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حُجَّةَ اللَّهِ
 وَ دَلِيلَ إِرَادَتِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا تَالِيَ كِتَابِ
 اللَّهِ وَ تَرْجُمَانَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي أَنَاءِ لَيْلِكَ
 وَ أَطْرَافِ نَهَارِكَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَقِيَّةَ اللَّهِ

فِي أَرْضِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا مِيثَاقَ اللَّهِ الَّذِي
أَخَذَهُ وَوَكَّدَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَعْدَ اللَّهِ
الَّذِي ضَمِنَهُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعِلْمُ
الْمَنْصُوبُ، وَالْعِلْمُ الْمَضْبُوبُ، وَالْغَوْثُ
وَالرَّحْمَةُ الْوَاسِعَةُ، وَعِدًا غَيْرَ مَكْذُوبٍ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقُومُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
حِينَ تَقْعُدُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَقْرَأُ
وَتُبَيِّنُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تُصَلِّي وَتَقُتُّ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ تَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ حِينَ تُهَلِّلُ وَتُكَبِّرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ
حِينَ تَحْمَدُ وَتَسْتَغْفِرُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ حِينَ
تُصْبِحُ وَتُمْسِي، السَّلَامُ عَلَيْكَ فِي اللَّيْلِ إِذَا

يَغْشَى، وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّى، السَّلَامُ عَلَيْكَ
أَيُّهَا الْأَمَامُ الْمَأْمُونُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا
الْمُقَدَّمُ الْمَأْمُولُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ بِجَوَامِعِ
السَّلَامِ، أَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنِّي أَشْهَدُ أَنَّ لَا
إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا
عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، لَا حَبِيبَ إِلَّا هُوَ وَآهْلُهُ،
وَأَشْهَدُكَ يَا مَوْلَايَ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ
حُجَّتَهُ، وَالْحَسَنَ حُجَّتَهُ، وَالْحُسَيْنَ حُجَّتَهُ،
وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ حُجَّتَهُ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ
حُجَّتَهُ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ حُجَّتَهُ، وَمُوسَى
بْنَ جَعْفَرٍ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى حُجَّتَهُ،
وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ حُجَّتَهُ، وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ

حُبَّتْهُ، وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ حُبَّتْهُ، وَأَشْهَدُ
أَنَّكَ حُجَّةُ اللَّهِ، أَنْتُمْ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ، وَ أَنَّ
رَجَعْتَكُمْ حَقُّ لَا رَيْبَ فِيهَا، يَوْمَ لَا يَنْفَعُ
نَفْسًا إِيْمَانُهَا، لَمْ تَكُنْ آمَنْتَ مِنْ قَبْلُ أَوْ
كَسَبْتَ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا، وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقُّ،
وَأَنَّ نَاكِرًا وَنَكِيرًا حَقُّ، وَأَشْهَدُ أَنَّ النَّشْرَ
حَقُّ، وَالْبَعْثَ حَقُّ، وَأَنَّ الصِّرَاطَ حَقُّ،
وَالْمِرْصَادَ حَقُّ، وَالْمِيزَانَ حَقُّ، وَالْحَشَرَ
حَقُّ، وَالْحِسَابَ حَقُّ، وَالْجَنَّةَ وَالنَّارَ حَقُّ،
وَالْوَعْدَ وَالْوَعْدَ بِهِمَا حَقُّ، يَا مَوْلَايَ شَقِيَ
مَنْ خَالَفَكَ، وَسَعِدَ مَنْ أَطَاعَكَ، فَاشْهَدْ
عَلَيَّ مَا أَشْهَدُكَ عَلَيْهِ، وَ أَنَا وَلِيُّ لَكَ، بَرِيٌّ

مِنْ عَدُوِّكَ، فَالْحَقُّ مَا رَضِيتُمُوهُ، وَ الْبَاطِلُ
 مَا اسْخَطْتُمُوهُ، وَالْمَعْرُوفُ مَا أَمَرْتُمْ بِهِ،
 وَالْمُنْكَرُ مَا نَهَيْتُمْ عَنْهُ، فَنَفْسِي مُؤْمِنَةٌ بِاللَّهِ
 وَخُدَّهٗ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَبِرَسُولِهِ
 وَبِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، وَبِكُمْ يَا مَوْلَايَ، أَوْلَكُمْ
 وَآخِرِكُمْ، وَنُصْرَتِي مُعَدَّةٌ لَكُمْ، وَمَوَدَّتِي
 خَالِصَةٌ لَكُمْ، آمِينَ آمِينَ * آنگاه این دعا خوانده
 شود: اَللّٰهُمَّ اِنِّیْ اَسْئَلُكَ اَنْ تُصَلِّیَ عَلٰی
 مُحَمَّدٍ نَبِیِّ رَحْمَتِكَ، وَكَلِمَةِ نُورِكَ، وَاَنْ
 تَمْلَأَ قَلْبِیْ نُورَ الْیَقِیْنِ، وَصَدْرِیْ نُورَ
 الْاِیْمَانِ، وَفِكْرِیْ نُورَ النَّیَّاتِ، وَعِزِّمِیْ نُورَ
 الْعِلْمِ، وَقَوِّتِیْ نُورَ الْعَمَلِ، وَلِسَانِیْ نُورَ

الصِّدْقِ، وَدِينِي نُورَ الْبَصَائِرِ مِنْ عِنْدِكَ،
 وَبَصْرِي نُورَ الضِّيَاءِ، وَسَمْعِي نُورَ
 الْحِكْمَةِ، وَمَوَدَّتِي نُورَ الْمُوَالَاةِ لِمُحَمَّدٍ
 وَآلِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، حَتَّى الْفَاكِ وَقَدْ وَفَيْتُ
 بِعَهْدِكَ وَمِيثَاقِكَ، فَتَغَشَّيْنِي رَحْمَتَكَ، يَا
 وَلِيَّ يَا حَمِيدُ، اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
 حُجَّتِكَ فِي اَرْضِكَ، وَخَلِيفَتِكَ فِي بِلَادِكَ،
 وَالدَّاعِي اِلَى سَبِيلِكَ، وَالْقَائِمَ بِقِسْطِكَ،
 وَالثَّائِرَ بِأَمْرِكَ، وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ، وَبَوَارِ
 الْكَافِرِينَ، وَمُجَلِّي الظُّلْمَةِ، وَمُنِيرَ الْحَقِّ،
 وَالنَّاطِقَ بِالْحِكْمَةِ وَالصِّدْقِ، وَكَلِمَتِكَ
 التَّامَّةِ فِي اَرْضِكَ، اَلْمُرْتَقِبَ الْخَائِفَ،

وَالْوَلِيَّ النَّاصِحَ، سَفِينَةَ النَّجَاةِ، وَعَلَّمَ
الْهُدَى، وَنُورِ أَبْصَارِ الْوَرَى، وَ خَيْرَ مَنْ
تَقَمَّصَ وَارْتَدَى، وَ مُجَلَّى الْعَمَى، الَّذِي
يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَقِسْطًا، كَمَا مُلِئَتْ ظُلْمًا
وَجَوْرًا، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اَللّٰهُمَّ
صَلِّ عَلَى وَلِيِّكَ وَابْنِ أَوْلِيَائِكَ الَّذِينَ
فَرَضْتَ طَاعَتَهُمْ، وَأَوْجَبْتَ حَقَّهُمْ،
وَأَذْهَبْتَ عَنْهُمْ الرَّجْسَ وَطَهَّرْتَهُمْ تَطْهِيرًا،
اَللّٰهُمَّ أَنْصِرْهُ وَأَنْتَصِرْ بِهِ لِدِينِكَ، وَأَنْصِرْ بِهِ
أَوْلِيَائَكَ، وَ أَوْلِيَائَهُ وَشِيعَتَهُ وَأَنْصَارَهُ،
وَاجْعَلْنَا مِنْهُمْ، اَللّٰهُمَّ أَعِزَّهُ مِنْ شَرِّ كُلِّ بَاغٍ
وَطَاغٍ، وَمِنْ شَرِّ جَمِيعِ خَلْقِكَ، وَاحْفَظْهُ مِنْ

بَيْنَ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ، وَعَنْ يَمِينِهِ وَعَنْ
 شِمَالِهِ، وَاحْرُسْهُ وَامْنَعْهُ مِنْ أَنْ يُوصَلَ إِلَيْهِ
 بِسُوءٍ، وَاحْفَظْ فِيهِ رَسُولَكَ، وَآلَ رَسُولِكَ،
 وَأَظْهَرْ بِهِ الْعَدْلَ، وَأَيِّدْهُ بِالنَّصْرِ، وَأَنْصُرْ
 نَاصِرِيهِ، وَاخْذُلْ خَاذِلِيهِ، وَأَقْصِمْ قَاصِمِيهِ،
 وَأَقْصِمْ بِهِ جَبَابِرَةَ الْكُفْرِ، وَأَقْتُلْ بِهِ الْكُفَّارَ
 وَالْمُنَافِقِينَ، وَجَمِيعَ الْمُلْحِدِينَ حَيْثُ كَانُوا
 مِنْ مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا، بَرِّهَا
 وَبَحْرِهَا، وَامْلَأْ بِهَا الْأَرْضَ عَدْلًا، وَأَظْهَرْ بِهِ
 دِينَ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَاجْعَلْنِي
 اللَّهُمَّ مِنْ أَنْصَارِهِ وَاعْوَانِهِ، وَاتَّبَاعِهِ
 وَشِيعَتِهِ، وَارْنِي فِي آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمُ

السَّلَامُ مَا يَأْمُلُونَ، وَفِي عَدُوِّهِمْ مَا
يَحْذَرُونَ، إِلَهَ الْحَقِّ آمِينَ، يَا ذَا الْجَلَالِ
وَالْإِكْرَامِ، يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ^۱.

یادآوری: این زیارت از زیارات مطلقه است
و اختصاصی به سرداب مقدّس ندارد، لذا در هر زمان
- مخصوصاً عصر جمعه - می‌توان آن را خواند.

۳. زیارت عاشورا

در فضیلت این زیارت همین بس که بر خلاف سایر
زیارات که از معصومین علیهم‌السلام نقل شده، این زیارت به شکل
حدیث قدسی روایت شده است، یعنی ائمه هدی علیهم‌السلام آن
را از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم نقل کرده‌اند، و جبرئیل امین آن را از

۱. بحار الانواء، ج ۹۹، ص ۸۱، ح ۱.

سوی خداوند برای او آورده است.

اضافه بر این، طبق روایتی از امام صادق علیه السلام، آن حضرت واجداد معصومش علیهم السلام ضمانت کرده‌اند هر کس این زیارت را و دعای بعد از آن را بخواند، زیارتش مقبول درگاه خداوند و دعایش مستجاب و اهل بهشت خواهد بود و حتی شفاعتش در حق دیگران پذیرفته خواهد شد.^۱

خلاصه هر قدر در فضیلت این زیارت گفته شود کم است، ولی نباید فراموش کرد که شرط گرفتن نتیجه آن است که زائر محتوای زیارت را درک کند و در مسیر آن حرکت نماید.

متن زیارت عاشورا

«الْسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ

۱. بحار الانوار، ج ۹۸، ص ۳۰۰؛ مصباح المتهجد، ص ۷۸۱.

يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بَنَ أَمِيرِ
الْمُؤْمِنِينَ، وَابْنَ سَيِّدِ الْوَصِيِّينَ، السَّلَامُ
عَلَيْكَ يَا بَنَ فَاطِمَةَ سَيِّدَةِ نِسَاءِ الْعَالَمِينَ،
السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا ثَارَ اللَّهِ وَابْنَ ثَارِهِ، وَالْوَتَرَ
الْمَوْتُورَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ وَعَلَى الْأَرْوَاحِ
الَّتِي حَلَّتْ بِفَنَائِكَ، عَلَيْكُمْ مِنِّي جَمِيعاً
سَلَامُ اللَّهِ أَبَدًا مَا بَقِيَتْ وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ،
يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ لَقَدْ عَظُمَتِ الرَّزِيَّةُ، وَجَلَّتْ
وَعَظُمَتِ الْمُصِيبَةُ بِكَ عَلَيْنَا وَعَلَى جَمِيعِ
أَهْلِ الْإِسْلَامِ، وَجَلَّتْ وَعَظُمَتِ مُصِيبَتُكَ
فِي السَّمَوَاتِ، عَلَى جَمِيعِ أَهْلِ السَّمَوَاتِ،
فَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسَّسَتْ أَسَاسَ الظُّلْمِ وَالْجَوْرِ

عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً دَفَعَتْكُمْ
 عَنْ مَقَامِكُمْ، وَأَزَالَتْكُمْ عَنْ مَرَاتِبِكُمْ الَّتِي
 رَتَّبَكُمْ اللَّهُ فِيهَا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً قَتَلَتْكُمْ، وَلَعَنَ
 اللَّهُ الْمُمَهِّدِينَ لَهُمْ بِالْتَّمَكِينِ مَنْ قَتَلَكُمْ،
 بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَكْمِ مِنْهُمْ، وَمِنْ أَشْيَاعِهِمْ
 وَاتَّبَاعِهِمْ وَأَوْلِيَائِهِمْ، يَا أَبَاعَبْدِ اللَّهِ إِنِّي سَلَمٌ
 لِمَنْ سَالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ إِلَى
 يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَلَعَنَ اللَّهُ آلَ زِيَادٍ وَآلَ مَرْوَانَ،
 وَلَعَنَ اللَّهُ بَنِي أُمَيَّةَ قَاطِبَةً، وَلَعَنَ اللَّهُ ابْنَ
 مَرْجَانَةَ، وَلَعَنَ اللَّهُ عُمَرَ بْنَ سَعْدٍ، وَلَعَنَ اللَّهُ
 شِمْرًا، وَلَعَنَ اللَّهُ أُمَّةً أَسْرَجَتْ وَالْجَمَتْ
 وَتَنَقَّبَتْ لِقِتَالِكَ، يَا بَابِي أَنْتَ وَأُمِّي، لَقَدْ عَظُمَ

مُصَابِي بِكَ، فَاسْأَلُ اللَّهَ الَّذِي أَكْرَمَ مَقَامَكَ
وَأَكْرَمَنِي بِكَ، أَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِكَ مَعَ
إِمَامٍ مَنْصُورٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللَّهُمَّ اجْعَلْنِي عِنْدَكَ وَجِيهًا
بِالْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، يَا
أَبَا عَبْدِ اللَّهِ، إِنِّي اتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ وَإِلَى رَسُولِهِ،
وَإِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَإِلَى فَاطِمَةَ، وَإِلَى
الْحَسَنِ وَالْيَكِّ بِمُؤَالَاتِكَ، وَبِالْبَرَاءَةِ مِنْ
أَسَسَ أَسَاسَ ذَلِكَ، وَبَنَى عَلَيْهِ بُنْيَانَهُ،
وَجَرَى فِي ظُلْمِهِ وَجُورِهِ عَلَيْكُمْ، وَعَلَى
أَشْيَاعِكُمْ، بَرِئْتُ إِلَى اللَّهِ وَالْيَكِّ مِنْهُمْ،
وَاتَّقَرَّبُ إِلَى اللَّهِ، ثُمَّ إِلَيْكُمْ بِمُؤَالَاتِكُمْ

وَمُؤَالَاةٍ وَلِيَّكُمْ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ أَعْدَائِكُمْ
وَالنَّاصِبِينَ لَكُمْ الْحَرْبَ، وَبِالْبِرَاءَةِ مِنْ
أَشْيَاعِهِمْ وَأَتْبَاعِهِمْ، إِنِّي سَلَّمُ لِمَنْ
سَالَمَكُمْ، وَحَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ، وَوَلِيٌّ
لِمَنْ وَالَاكُمْ، وَعَدُوٌّ لِمَنْ عَادَاكُمْ، فَاسْأَلُ اللَّهَ
الَّذِي أَكْرَمَنِي بِمَعْرِفَتِكُمْ وَمَعْرِفَةِ أَوْلِيَائِكُمْ،
وَرَزَقَنِي الْبِرَاءَةَ مِنْ أَعْدَائِكُمْ، أَنْ يَجْعَلَنِي
مَعَكُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَأَنْ يُثَبِّتَ لِي
عِنْدَكُمْ قَدَمَ صَدَقٍ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ،
وَأَسْأَلُهُ أَنْ يُبَلِّغَنِي الْمَقَامَ الْمَحْمُودَ لَكُمْ
عِنْدَ اللَّهِ، وَأَنْ يَرْزُقَنِي طَلَبَ ثَارِي مَعَ إِمَامٍ
هُدًى ظَاهِرٍ نَاطِقٍ بِالْحَقِّ مِنْكُمْ، وَأَسْأَلُ اللَّهَ

بِحَقِّكُمْ وَبِالشَّانِ الَّذِي لَكُمْ عِنْدَهُ، أَنْ
 يُعْطِيَنِي بِمُصَابِي بِكُمْ أَفْضَلَ مَا يُعْطَى
 مُصَابًا بِمُصِيبَتِهِ، مُصِيبَةً مَا أَعْظَمَهَا وَأَعْظَمَ
 رَزِيَّتَهَا فِي الْإِسْلَامِ، وَفِي جَمِيعِ السَّمَوَاتِ
 وَالْأَرْضِ، اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مَقَامِي هَذَا
 مِمَّنْ تَنَالُهُ مِنْكَ صَلَوَاتٌ وَرَحْمَةٌ وَمَغْفِرَةٌ،
 اَللّٰهُمَّ اجْعَلْ مَحْيَايَ مَحْيَا مُحَمَّدٍ وَآلِ
 مُحَمَّدٍ، وَمَمَاتِي مَمَاتَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
 اَللّٰهُمَّ إِنَّ هَذَا يَوْمٌ تَبَرَّكَتَ بِهِ بَنُو أُمَيَّةَ، وَابْنُ
 أَكَلَةِ الْأَكْبَادِ، اَللَّعِينُ ابْنُ اللَّعِينِ، عَلَى
 لِسَانِكَ وَلِسَانِ نَبِيِّكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ،
 فِي كُلِّ مَوْطِنٍ وَمَوْقِفٍ وَقَفَ فِيهِ نَبِيُّكَ

صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، اَللّٰهُمَّ الْعَنْ اَبَا سُفْيَانَ
 وَمُعَاوِيَةَ وَ يَزِيْدَ بْنَ مُعَاوِيَةَ، عَلَيْهِمْ مِنْكَ
 اللَّعْنَةُ اَبَدَ الْاَبْدِيْنَ، وَهَذَا يَوْمٌ فَرِحْتَ بِهِ اَلْ
 زِيَادِ وَآلُ مَرْوَانَ بِقَتْلِهِمُ الْحُسَيْنَ
 صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِ، اَللّٰهُمَّ فَضَاعِفْ عَلَيْهِمْ
 اللَّعْنَ مِنْكَ وَالْعَذَابَ، اَللّٰهُمَّ اِنِّيْ اَتَقَرَّبُ
 اِلَيْكَ فِيْ هَذَا الْيَوْمِ، وَفِيْ مَوْقِفِيْ هَذَا وَاَيَّامِ
 حَيَاتِيْ، بِالْبَرَاءَةِ مِنْهُمْ وَاللَّعْنَةِ عَلَيْهِمْ،
 وَبِالْمُؤَالَاتِ لِنَبِيِّكَ وَ اَلِ نَبِيِّكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمْ
 السَّلَامُ * سپس صد مرتبه می گوئی: اَللّٰهُمَّ الْعَنْ
 اَوَّلَ ظَالِمٍ ظَلَمَ حَقَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ،
 وَآخَرَ تَابِعٍ لَهُ عَلَى ذَلِكَ، اَللّٰهُمَّ الْعَنْ

الْعِصَابَةَ الَّتِي جَاهَدَتِ الْحُسَيْنَ، وَشَايَعَتْ
 وَبَايَعَتْ وَتَابَعَتْ عَلَى قَتْلِهِ، اَللّٰهُمَّ الْعَنَّهُمْ
 جَمِيعاً * اَنگاه صد مرتبه می‌گوی: اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ
 يَا اَبَاعَبْدِ اللّٰهِ، وَعَلَى الْاَزْوَاحِ الَّتِي حَلَّتْ
 بِفِنَائِكَ، عَلَيْكَ مِنِّي سَلَامُ اللّٰهِ اَبَدًا مَا بَقِيَتْ
 وَبَقِيَ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ، وَلَا جَعَلَهُ اللّٰهُ آخِرَ
 الْعَهْدِ مِنِّي لِزِيَارَتِكُمْ، اَلسَّلَامُ عَلَى
 الْحُسَيْنِ، وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى
 اَوْلَادِ الْحُسَيْنِ، وَعَلَى اَصْحَابِ الْحُسَيْنِ
 * سپس می‌گوی: اَللّٰهُمَّ خُصَّ اَنْتَ اَوَّلَ ظَالِمٍ
 بِاللَّعْنِ مِنِّي، وَاَبْدَأْ بِهِ اَوَّلًا ثُمَّ الثَّانِي وَالثَّلَاثُ
 وَالرَّابِعَ، اَللّٰهُمَّ الْعَنْ يَزِيدَ خَامِسًا، وَالْعَنْ

عُبَيْدَ اللَّهِ بْنِ زِيَادٍ وَابْنَ مَرْجَانَةَ وَعُمَرَ بْنَ
 سَعْدٍ وَشِمْرًا، وَآلَ أَبِي سُفْيَانَ وَآلَ زِيَادٍ
 وَآلَ مَرْوَانَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَمَةِ * آنگاه به سجده
 می‌روی و می‌گویی: اَللّٰهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ حَمْدَ
 الشَّاكِرِينَ لَكَ عَلَى مُصَابِهِمْ، اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ
 عَلَى عَظِيمِ رَزَقَتِي، اَللّٰهُمَّ ارْزُقْنِي شَفَاعَةَ
 الْحُسَيْنِ يَوْمَ الْوُرُودِ، وَثَبِّتْ لِي قَدَمَ صِدْقٍ
 عِنْدَكَ مَعَ الْحُسَيْنِ وَاصْحَابِ الْحُسَيْنِ،
 الَّذِينَ بَذَلُوا مَهْجَهُمْ دُونَ الْحُسَيْنِ
 عَلَيْهِ السَّلَامُ»^۱.

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۷۳؛ رجوع شود به: کامل الزیارات، باب ۷۱،

ص ۱۷۶، ح ۸؛ مزار کبیر، ص ۴۸۰ (با اندکی تفاوت).

یادآوری

۱. از روایت علقمه از امام باقر علیه السلام استفاده می‌شود که این زیارت برای دور و نزدیک هر دو وارد شده است و خوب است در ابتدا سلامی به حضرت دهند و دو رکعت نماز بخوانند و سپس شروع به خواندن زیارت کنند.^۱
۲. کسانی که موقت به گفتن صد مرتبه لعن و سلام نباشند، می‌توانند به یک مرتبه (به قصد رجا) قناعت کنند و در روایتی از امام هادی علیه السلام در مورد چنین اشخاصی آمده است که هر کس لعن و سلام زیارت عاشورا را یک بار بخواند و پس از لعن نود و نه بار بگوید: «اللَّهُمَّ الْعَنَّهُمْ جَمِيعاً» و پس از سلام نیز نود و نه بار بگوید: «السَّلَامُ عَلَى الْحُسَيْنِ وَعَلَى عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَوْلَادِ الْحُسَيْنِ وَعَلَى أَصْحَابِ الْحُسَيْنِ» کفایت می‌کند.^۲

۱. مصباح المتهجد، ص ۷۷۳؛ کامل الزیارات، ص ۱۷۵.

۲. رجوع شود به: الذریعه، ج ۱۵، ص ۲۹؛ کتاب «ربع قرن مع العلامة»

۴. دعای توسّل

مقصود از «توسّل» در این جا، وسیله قرار دادن انسانهای شایسته و صالح، در پیشگاه خدا و طلب چیزی از خدا به خاطر آنان است که مورد سفارش قرآن و روایات اسلامی قرار گرفته است (بخشنده نعمتها خداست و آن بزرگواران در پیشگاه او شفاعت می کنند). قرآن کریم می فرماید: «﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ﴾»؛ ای کسانی که ایمان آورده اید، پرهیزکاری پیشه کنید و وسیله ای برای تقرّب به خدا انتخاب نمایید.^۱ البتّه وسیله تقرّب به خدا، امور گوناگونی است - همان گونه که در

→ الأُمینی، ص ۲۳۱؛ ادب الزائر، نوشته علامه امینی، ص ۱۲۷.

برخی چنین تصوّر کرده اند که اگر یک بار لعن و سلام را بگویند، سپس به دنبال هر کدام از لعن و سلام، جمله «تَسْعًا وَتِسْعِينَ مَرَّةً» را اضافه کنند کفایت می کند، در حالی که ظاهر روایت همان است که در بالا ذکر شد.

۱. سورة مائده، آیه ۳۵.

روایات تصریح شده است - که از جمله آنها، شفاعت پیامبران و امامان و بندگان صالح نزد خداوند می‌باشد. قرآن کریم به طور روشن به رسول خدا ﷺ می‌گوید: «اگر گنه‌کاران به محضر آیند و از خدا طلب آمرزش نمایند و تو نیز برای آنها طلب عفو کنی، مشمول رحمت و عفو خدا خواهند شد».^۱ در روایات فراوانی از طریق شیعه و سنی، مسألهٔ توسل به پیامبر اکرم ﷺ و اهل بیت علیهم السلام مطرح شده و مورد سفارش قرار گرفته است و آنها که منکر توسل هستند به خاطر کمی اطلاعات و یا بی‌اطلاعی آنها از آیات قرآن و روایات اسلامی است.^۲ مرحوم «علامة مجلسی» فرموده است که در برخی از کتابهای معتبر آمده است که

۱. سورة نساء، آیه ۶۴.

۲. برای آگاهی بیشتر در این زمینه، به تفسیر نمونه، ج ۴، ص ۳۶۳ به بعد (ذیل آیه ۳۵ سورة مائده) و ج ۱۲ ص ۱۶۶ و دیگر کتب مراجعه شود.

جناب «شیخ صدوق» این دعای توسل را از ائمه علیهم السلام روایت کرده و گفته است: «این دعا را برای هر حاجتی که خواندم به زودی به اجابت رسید».^۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
 «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ وَأَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ
 الرَّحْمَةِ، مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، يَا أَبَا
 الْقَاسِمِ يَا رَسُولَ اللَّهِ، يَا إِمَامَ الرَّحْمَةِ، يَا
 سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
 وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ
 حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ

اللَّهُ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا عَلِيَّ
 بْنَ أَبِي طَالِبٍ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا
 سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
 وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ
 حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ،
 يَا فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ يَا بِنْتَ مُحَمَّدٍ، يَا قُرَّةَ عَيْنِ
 الرَّسُولِ، يَا سَيِّدَتَنَا وَمَوْلَاتَنَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ
 بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهَةً عِنْدَ اللَّهِ،
 اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ
 عَلِيٍّ، أَيُّهَا الْمُجْتَبَى يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا
 حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا

تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ،
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا
عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ
يَا حُسَيْنَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا الشَّهِيدُ يَا بْنَ رَسُولِ
اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا
وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ
إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا
وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا
أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، يَا زَيْنَ
الْعَابِدِينَ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى
خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ

بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ
 لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ،
 اَيُّهَا الْبَاقِرُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى
 خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ
 بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ
 لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا عَبْدِ اللَّهِ يَا جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ،
 اَيُّهَا الصَّادِقُ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ
 عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، اِنَّا تَوَجَّهْنَا
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ اِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ
 بَيْنَ يَدَي حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ
 لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا اَبَا الْحَسَنِ يَا مُوسَى بْنَ

جَعْفَرُ، أَيُّهَا الْكَاطِمُ يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا
حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا
تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ،
وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا
عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا
عَلِيَّ بْنَ مُوسَى، أَيُّهَا الرِّضَا يَا بَنَ رَسُولِ
اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا
وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ
إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا
وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا
جَعْفَرٍ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، أَيُّهَا التَّقِيُّ الْجَوَادُ
يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا

سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا
وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيِ
حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ،
يَا أَبَا الْحَسَنِ يَا عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ، أَيُّهَا الْهَادِي
النَّقِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى
خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا
وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ
بَيْنَ يَدَيِ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اشفَعْ
لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا أَبَا مُحَمَّدٍ يَا حَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ،
أَيُّهَا الزَّكِيُّ الْعَسْكَرِيُّ يَا بْنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا
حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا
تَوَجَّهْنَا وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ،

وَقَدَّمْنَاكَ بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ
 اللَّهِ، اِشْفَعْ لَنَا عِنْدَ اللَّهِ، يَا وَصِيَّ الْحَسَنِ
 وَالْخَلَفَ الْحُجَّةَ، أَيُّهَا الْقَائِمُ الْمُتَنْظَرُ
 الْمَهْدِيُّ، يَا بَنَ رَسُولِ اللَّهِ، يَا حُجَّةَ اللَّهِ عَلَى
 خَلْقِهِ، يَا سَيِّدَنَا وَمَوْلَانَا، إِنَّا تَوَجَّهْنَا
 وَاسْتَشْفَعْنَا وَتَوَسَّلْنَا بِكَ إِلَى اللَّهِ، وَقَدَّمْنَاكَ
 بَيْنَ يَدَيَّ حَاجَاتِنَا، يَا وَجِيهًا عِنْدَ اللَّهِ، اِشْفَعْ
 لَنَا عِنْدَ اللَّهِ» سپس حاجت خود را بخواهد که ان شاء الله
 برآورده می شود.

در روایت دیگری^۱ آمده است که بعد از این بگوید:

«يَا سَادَتِي وَمَوَالِيَّ، إِنِّي تَوَجَّهْتُ بِكُمْ

۱. بحار الانوار، ج ۹۹، ص ۳۴۹، ح ۹.

ائمتی وَعَدَّتْیَ لَیْوْمَ فَرِّی وَحَاجَّتِی اِلَیَّ اللّٰهَ،
 وَتَوَسَّلْتُ بِکُمْ اِلَیَّ اللّٰهَ، وَاسْتَشْفَعْتُ بِکُمْ
 اِلَیَّ اللّٰهَ، فَاشْفَعُوا لِیْ عِنْدَ اللّٰهِ، وَاسْتَنْقِذُونِی
 مِنْ ذُنُوبِیْ عِنْدَ اللّٰهِ، فَانَّکُمْ وَسِیْلَتِی اِلَیَّ اللّٰهِ،
 وَبِحُبِّکُمْ وَبِقُرْبِکُمْ اَرْجُو نَجَاةً مِنَ اللّٰهِ،
 فَکُونُوا عِنْدَ اللّٰهِ رَجَائِیْ، یَا سَادَتِیْ یَا اَوْلِیَاءَ
 اللّٰهِ، صَلِّی اللّٰهُ عَلَیْهِمْ اَجْمَعِیْنَ، وَلَعَنَ اللّٰهُ
 اَعْدَاءَ اللّٰهِ ظَالِمِیْهِمْ مِنَ الْاَوَّلِیْنَ وَالْاٰخِرِیْنَ،
 اٰمِیْنَ رَبَّ الْعَالَمِیْنَ.

۵. زیارت امین الله

جابر جعفری از امام باقر علیه السلام نقل می کند که امام

زین العابدین (علیه السلام) به زیارت قبر امیرمؤمنان آمد و کنار قبر

آن حضرت ایستاد و گریست و گفت:

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَحُجَّتَهُ
 عَلَى عِبَادِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ،
 أَشْهَدُ أَنَّكَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ،
 وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَنَ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ
 عَلَيْهِ وَآلِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ،
 فَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَالزَّمَ أَعْدَاكَ
 الْحُجَّةَ مَعَ مَالِكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى
 جَمِيعِ خَلْقِهِ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ نَفْسِي مُطْمَئِنَّةً
 بِقَدْرِكَ، رَاضِيَةً بِقَضَائِكَ، مُوَلَّعَةً بِذِكْرِكَ
 وَدُعَائِكَ، مُحِبَّةً لَصَفْوَةِ أَوْلِيَائِكَ، مَحْبُوبَةً

فِي أَرْضِكَ وَسَمَائِكَ، صَابِرَةً عَلَى نُزُولِ
 بَلَائِكَ، شَاكِرَةً لِفَوَاضِلِ نِعَمَائِكَ، ذَاكِرَةً
 لِسَوَابِغِ آلَائِكَ، مُشْتَاqَةً إِلَى فَرْحَةِ لِقَائِكَ،
 مُتَزَوِّدَةً تَقْوَى لِيَوْمِ جَزَائِكَ، مُسْتَنَّةً بِسُنَنِ
 أَوْلِيَائِكَ، مُفَارِقَةً لِأَخْلَاقِ أَعْدَائِكَ، مَشْغُولَةً
 عَنِ الدُّنْيَا بِحَمْدِكَ وَثَنَائِكَ * سپس گونه مبارک
 خود را بر قبر گذاشت و گفت: اَللّٰهُمَّ اِنَّ قُلُوْبَ
 الْمُحِبِّينَ اِلَيْكَ وَالِهَةِ، وَسُبُلَ الرَّاٰغِبِيْنَ اِلَيْكَ
 شَارِعَةٌ، وَاَعْلَامَ الْقَاٰصِدِيْنَ اِلَيْكَ وَاَضِحَةٌ،
 وَافْتِدَاةَ الْعَارِفِيْنَ مِنْكَ فَازِعَةٌ، وَاَصْوَاتَ
 الدَّاعِيْنَ اِلَيْكَ ضَاعِدَةٌ، وَاَبْوَابَ الْاِجَابَةِ لَهُمْ
 مُفْتَحَةٌ، وَدَعْوَةٌ مِنْ نَاجَاكَ مُسْتَجَابَةٌ، وَتَوْبَةٌ

مَنْ أَنَابَ إِلَيْكَ مَقْبُولَةٌ، وَعَبَّرَ مَنْ بَكَى مِنْ
 خَوْفِكَ مَرْحُومَةٌ، وَالْإِغَاثَةُ لِمَنْ اسْتَعَاثَ
 بِكَ مَوْجُودَةٌ، وَالْإِعَانَةُ لِمَنْ اسْتَعَانَ بِكَ
 مَبْذُولَةٌ، وَعِدَاتُكَ لِعِبَادِكَ مُنْجَزَةٌ، وَزَلَلْ مَنْ
 اسْتَقَالَكَ مُقَالَةٌ، وَأَعْمَالُ الْعَامِلِينَ لَدَيْكَ
 مُحْفُوظَةٌ، وَأَرْزَاقُكَ إِلَى الْخَلَائِقِ مِنْ لَدُنْكَ
 نَازِلَةٌ، وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ إِلَيْهِمْ وَاصِلَةٌ،
 وَذُنُوبَ الْمُسْتَغْفِرِينَ مَغْفُورَةٌ، وَحَوَائِجُ
 خَلْقِكَ عِنْدَكَ مَقْضِيَّةٌ، وَجَوَائِزُ السَّائِلِينَ
 عِنْدَكَ مُوفَّرَةٌ، وَعَوَائِدُ الْمَزِيدِ مُتَوَاتِرَةٌ،
 وَمَوَائِدُ الْمُسْتَطْعِمِينَ مُعَدَّةٌ، وَمَنَاهِلُ الظَّمَاءِ
 مُتَرَعَّةٌ، اَللّٰهُمَّ فَاسْتَجِبْ دُعَائِي، وَاقْبَلْ

ثَنَائِي، وَاجْمَعْ بَيْنِي وَبَيْنَ أَوْلِيَائِي، بِحَقِّ
 مُحَمَّدٍ وَعَلِيٍّ وَفَاطِمَةَ، وَالْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ،
 إِنَّكَ وَلِيُّ نَعْمَائِي، وَمُنْتَهَى مُنَايَ، وَغَايَةُ
 رَجَائِي فِي مُتَقَلَّبِي وَمَثْوَايَ * در کامل الزیارات
 بعد از این زیارت، این فقرات نیز آمده است: أَنْتَ إِلَهِي
 وَسَيِّدِي وَمَوْلَايَ، اغْفِرْ لَأَوْلِيَائِنَا، وَكُفِّ عَنَّا
 أَعْدَائِنَا، وَاشْغَلْهُمْ عَنْ أَدَانَا، وَأَظْهِرْ كَلِمَةَ
 الْحَقِّ وَاجْعَلْهَا الْعُلْيَا، وَأَذْخِرْ كَلِمَةَ
 الْبَاطِلِ وَاجْعَلْهَا السُّفْلَى، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ
 شَيْءٍ قَدِيرٌ.^۱

۱. کامل الزیارات، باب ۱۱، صفحه ۳۹، حدیث ۱.